

محمد حسن حبیبی\*

## حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت\*\*

چکیده:

حمایت قانونی از حقوق بشر به گونه‌ای فزاینده، ابزاری در جهت نیل به حفاظت محیط زیست است. حقوقی مثل حق حیات، حق مشارکت سیاسی، آزادی فردی، برابری و جبران خسارات قانونی همگی ابزارهای قانونی است که به گونه‌ای حفاظت محیط زیست را تضمین می‌کنند. حقوق اقتصادی - اجتماعی شامل حق برخورداری از بهداشت، شرایط مناسب زندگی و حق برخورداری از محیط کار مناسب می‌توانند در توسعه حق محیط زیست در سطح داخلی و بین‌المللی مؤثر باشند. در سطح جهانی طی سه دهه گذشته از کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم، اولین اصل اعلامیه کنفرانس مزبور مورد ارزیابی قرار گرفته است. در حالی که تنظیم این اصل شامل اعلام حقی بر محیط زیست که هم مرتبط با حقوق بشر و هم حفاظت محیط زیست است به عنوان هدفی اساسی و ابزاری جهت نیل به شرایط مناسب زندگی در محیطی که به بشر اجازه زندگی با وقار و سعادت‌مند را می‌دهد ولی هیچ معاهده حقوق بشری در سطح جهانی، حق بر محیط زیست را به عنوان یک اصل مسلم بیان نکرده است. در مقابل اسناد غیرالزام‌آوری وجود دارند که به حفظ محیط زیست به عنوان حق به محیط زیست با کیفیت ویژه می‌پردازند.

واژگان کلیدی:

حقوق بشر، حق به محیط زیست، حقوق همبستگی، اخلاق محیط زیست، توسعه پایدار، برخورداری از محیط زیست سالم، حقوق زیست محیطی بشر.

\* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

\*\* این نوشته برگرفته از طرح تحقیقاتی است تحت عنوان "بررسی جایگاه محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت" که توسط نگارنده با همکاری آقای نادر ساعد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران انجام یافته است.

## مقدمه

طی دهه‌های اخیر، دعاوی زیادی در باب حقوق بشر و محیط زیست در جهان طرح شده است. کثرت این دعاوی بیشتر به خاطر تخریب منابع طبیعی و آلودگی‌های حادث در محیط زیست و فشار بی سابقه در بهره‌برداری از منابع طبیعی، که آسایش گروه‌های آسیب‌پذیر را در معرض خطر قرار داده، می‌باشد.

بسیاری از سیاست‌سازان و تصمیم‌سازان و دانشگاهیان ماهیت چندبعدی این اختلافات را تجزیه و تحلیل نموده، اهداف حقوق بشری را با هدف‌های حفاظت محیط زیست مکمل می‌دانند، نگرش عدم وجود رابطه بین این دو را از نوع تفکر سنتی تلقی می‌کنند و آن را کنار می‌گذارند. علی‌رغم وجود چنین نگرشی، تئوری‌های توسعه، نگرانی‌هایی در باب هر دو مقوله فوق به همراه داشته است و بیشتر از طریق توجیه مالی نگرش توسعه را ارزیابی می‌کنند. به عنوان مثال ابتکارات مربوط به بهبود و حفاظت محیط زیست مانند حفاظت از جنگل و انواع گونه‌های زیستی، اغلب در تضاد با توسعه اقتصادی به شیوه سنتی آن بوده و گاهی هم، ملاحظات حقوق بشری مربوط به منافع جوامع محلی مستقر در حوزه منابع طبیعی را مورد بی‌مهری قرار می‌دهند.

در حال حاضر، هیچ معاهده بین‌المللی حقوق بشری، حق بر محیط زیست را به عنوان یک اصل مسلم نمی‌پذیرند، لکن اعلامیه‌های جهانی و دیگر اسناد حقوق بشری، حق برخورداری از بهداشت و شرایط مناسب زندگی را حمایت می‌کنند. از میان این اسناد که غیرالزام‌آورند، تعداد قابل توجهی از آنها به حفظ محیط زیست یا حق بر محیط زیست با کیفیت ویژه می‌پردازند. در سطح سازمان ملل متحد، کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها یک گزارشگر ویژه در مورد حقوق بشر و محیط زیست تعیین کرده که گزارش نهایی وی در سال ۱۹۹۴ و ضمایم آن در بردارنده اصول مربوط به حقوق بشر و محیط زیست است. در سطح منطقه‌ای و نظام حقوقی داخلی نیز وجود و اجرای این حق با قوام بیشتری تضمین گردیده است که در سطح قوانین اساسی کشورها مطرح شده است که در این مقاله وجود این حق در متون اسناد بین‌المللی منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد و نهایتاً میزان توسعه‌یافتگی این حق در نظام حقوقی داخلی، به ویژه در جمهوری اسلامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. با این حال نتیجه بررسی حکایت از آن دارد که در وضعیت کنونی، زمینه‌های لازم برای پیوند حقوق بشر و محیط زیست در اندیشه‌های حقوقی فراهم شده و اغلب حقوقدانان به خوبی واقفند که نگرانی‌های

حقوق بشر و زیست محیطی به هم پیوسته‌اند. و چند بعدی بودن موضوعات مرتبط با این مسائل، مانع از بررسی یکجانبه و تک بعدی آنها و استمرار عملکرد نادرست گذشته در بررسی مستقل آنها می‌شود.

### تحولات حقوق بین الملل محیط زیست

در کنفرانس ریو ۱۹۹۲، رسماً لزوم پیوستگی و تجزیه ناپذیری توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست در چارچوب اصل توسعه پایدار و غیرقابل قبول بودن سیاست‌های ملی بر انفکاک این دو به رسمیت شناخته شد. این کنفرانس همچنین بر اهمیت روزافزون حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان سازوکاری برای کمک به تدوین و ترویج و توسعه حقوق بین الملل توسعه پایدار تأکید نمود و ارتقای حفاظت از محیط زیست در پرتو اصل توسعه پایدار را خواستار شد و از آن پس حقوق بین الملل توسعه جایگاهی ویژه یافت. (۱)

اصول و معیارهایی که جامعه بین المللی را به سمت توسعه پایدار هدایت می‌کنند، برخی به شکل حقوق نرم یا انعطاف پذیر Soft Law شناسایی و معرفی شده‌اند. اگرچه در پذیرش آنها به عنوان قواعد حقوق بین الملل اختلاف نظر وجود دارد ولی در برنامه ریزی مربوط به توسعه و محیط زیست، اقتصاد و محیط زیست و تجارت و محیط زیست خطوط راهنمای این اصول عموماً مورد پذیرش قرار گرفته‌اند و زمینه اجرای آنها برای سیاست سازان و تصمیم سازان و برنامه ریزان و دستگاه‌های اجرایی فراهم شده است. این رشته در تحول مباحث اقتصاد، تجارت و توسعه و سازگار شدن آنها با حقوق بین الملل محیط زیست، اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند. (۲)

### مفاهیم حقوق بشر

درک پیوند حقوق بشر با محیط زیست نیاز به آشنایی مفاهیم و ویژگی‌ها و اصول حقوقی این دو مقوله دارد.

### تعریف حقوق بشر

حقوق بشر به معنی امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی بر اساس طبع، ذات و شأن و مقام خویش، هم به نفس انسان بودن (نگرش فردی و درونی) و هم به لحاظ نقش کلی در جهان هستی و در عرصه روابط جمعی و در اندرون سازمان اجتماعی (رویکرد جمعی، خارجی و

بیرونی) از آن برخوردار است (۳).

مقصود حقوق بشر، ایجاد و ارتقای شرایطی از زندگی است که به انسان به عنوان اشرف مخلوقات جامعه بشری و جانشین حاکم مطلق و ازلی امکان دهد تا بدون موانع بتواند قابلیت‌ها و استعدادهای خود را متجلی سازد، موانعی که بیشتر ساخته و پرداخته دست خود بشر بوده و برای افزایش دامنه اقتدار، بخشی از آنها به ضرر سایرین پدیدار می‌گردد. به همین جهت، حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی، متوجه حمایت از فرد انسانی در مقابل رنج‌ها و مشقات ساخته دست انسان‌ها و موانع قابل اجتنابی است که از طریق اعمال محرومیت، بهره‌کشی، اختناق، آزار و اذیت و کلیه اشکال سوء رفتاری توسط گروه‌های سازمان‌نیافته و قدرتمند از انسان‌ها به وجود آمده است. (۴)

تحقق حقوق بشر و جلوگیری از نقض آنها یعنی "حمایت از حقوق بشر Protection of human right مستلزم وضع قواعد حقوقی الزام‌آور و دارای ضمانت اجرا می‌باشد که به موجب آن تابعان حقوق را به خودداری از نقض حریم این حق وادار و مشمول مجازات بدانند. این دسته از قواعد حقوق بین‌الملل که حمایت از حقوق بشر یعنی الزام تابعان این حقوق به رعایت قواعد و اصول بین‌المللی حقوق بشر و جلوگیری و مجازات ناقض آنها را وجهه همت خود قرار داده است، "حقوق بین‌المللی بشر" International Human Rights Law تلقی می‌شود.

برای آشنایی بهتر با جایگاه حقوق بشر در نظام بین‌المللی فعلی و درک بهتر حقوق محیط زیست بشری باید دانست که در کنار نظام حقوق بشر جهانی در سطح سازمان ملل متحد، نظام‌های منطقه‌ای شکل گرفته است. در واقع به جز قاره آسیا و اقیانوسیه که از نظم حقوق بشری منطقه‌ای خاصی تبعیت نمی‌کنند، اروپا، آمریکا و آفریقا دارای نظام نسبتاً پیشرفته حقوق بشری با سازوکارهای مفصل اجرایی هستند که در کنار نظام حقوق بشر جهانی به حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی مردمان واقع در حوزه تحت شمول خود می‌پردازند.

### تفکیک‌ناپذیری حقوق بشر

وقتی از حقوق بشر صحبت به میان می‌آید اصولاً از سه نسل حقوق بشری یاد می‌شود. حقوق بشر نسل اول یا حقوق مدنی و سیاسی، حقوق بشر نسل دوم یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق بشر نسل سوم یا حقوق همبستگی.

حقوق نسل سوم که حقوق جمعی تلقی می‌شود، بر حقوق فردی و جمعی و در عین حال

تکلیف افراد و کلیه تشکلهای دلالته دارد، حقوقی که واجد اوصاف هر دو نسل اول و دوم حقوق بشر از حیث قابل اقامه بودن در برابر دولت و قابل مطالبه بودن از دولت می باشد. (۵) نسل های اول و دوم حقوق بشر با نسل سوم حقوق بشر یک تفاوت اساسی دارند و آن این است که محتوای نسل سوم هنوز به صورت اسناد حقوقی قراردادی در نیامده و تاکنون نتوانسته از اعتبار حقوقی الزام آور به نحوی مشابه با نسل های اول و دوم برخوردار گردد. در واقع برخلاف میثاق های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و سپس به صورت معاهده ای بین المللی درآمد، نسل سوم حقوق بشر، اعلامیه ای است که در سال ۱۹۸۳ توسط مجمع عمومی به تصویب رسیده و به اعلامیه حقوق همبستگی معروف است.

### حقوق همبستگی

در جامعه جهانی مبتنی بر اصل همبستگی، دولت ها واضع و منابع اعضای حقوق بین الملل نیستند بلکه ضرورت زیست جمعی به این حقوق شکل و محتوا می بخشد که افراد و گروه های انسانی غیر از دولت ها به آن دلمشغولی دارند.

گرچه در دنیای معاصر از جامعه واحد جهانی صحبت می شود که هنوز جایگاه حقوقی خود را نیافته ولی در جامعه بین المللی سنتی، تحولات اساسی صورت گرفته و انسان در این جامعه جایگاه خاصی یافته است که ضرورت حمایت جهانی از این حقوق، ظهور شاخه ای تحت نام حقوق بین المللی بشر را باعث می شود، یعنی برخی از جلوه های همبستگی مذکور اساس جامعه جهانی است که در جهان فعلی پدیدار گشته و همین باعث شده که از حالت اولیه تحول یابد. یکی از مظاهر بارز حقوق همبستگی، مفهوم نسل سوم حقوق بشر که در کنار حقوق نسل اول (حقوق آزادی) و دوم (حقوق برابری) به حقوق همبستگی یا برادری موسوم است. پیوند همبستگی با فردی شدن حقوق بین الملل چنان به هم در آمیخته است که پس از شناسایی "میراث مشترک بشریت"<sup>۱</sup> در حوزه حقوق بین الملل، مجموعه ای به نام حقوق همبستگی در عرصه حقوق بین المللی بشر موجودیت می یابد.

ویژگی برجسته حقوق همبستگی، افزایش تعدد تابعان و واضعان حقوق و تکالیف بشری و

تعمیم "حق و تکلیف بین‌المللی" به اشخاصی غیر از دولت‌هاست. یعنی در این چارچوب، نه تنها کلیه دولت‌ها و سازمان‌ها و افراد انسانی ذینفع هستند بلکه همه آنها در عین حال مکلف به رعایت و تضمین اجرای حقوق مذکور می‌باشند.

در میان مصادیق چهارگانه حقوق همبستگی، حق بر محیط زیست به دلایل مختلف به ویژه وفاق نسبی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نسبت به ضرورت حفاظت از محیط زیست و همچنین به دلیل نگرانی مشترک بشریت از پیامدهای زیانبار تخریب محیط زیست بر تمتع و استیفای حقوق شناخته شده و اساسی بشری، توانسته است بر مصادیق دیگر پیشی گیرد و روند ورود به اسناد بین‌المللی به ویژه در سطح منطقه‌ای حقوق بشری را سریع‌تر طی نماید. (۶)

### مبانی نظری پیوند حقوق بشر و محیط زیست

حقوق محیط زیست همانند حقوق بشر، ناظر بر عملکردها و اقدامات بشر بوده و کلیه اقدامات وی را تحت پوشش قرار می‌دهد. حق برخورداری از محیط زیستی سالم به عنوان یکی از نتایج مکمل انسان‌مداری در یک روند تحول بیست‌ساله، امروزه به عنوان یک حق مستقر و دارای وضعیت ثابت در حقوق بین‌الملل و همچنین در حقوق داخلی اغلب کشورها تلقی می‌گردد. از طرفی اندیشه جدید اعمال محدودیت‌های زیست‌بومی بر حقوق بشر، تاحدودی نیاز به تبیین دارد.

در اندیشه اخیر، حدود عملکرد آزاد فرد نه تنها از بعد اجتماعی حقوق بشر بلکه با گستره زیست‌بومی تحدید می‌شود. در اصول و قواعد حقوقی، انسان‌مداری با فهم زیست‌بومی به جای هم‌کاربرد دارند.

دیدگاه زیست‌مداری به محیط زیست به عنوان ارزشی ذاتی می‌نگرد که یک ارزش ابزاری نیست که پیرو انتفاع بشر از آن مورد ارزیابی قرار گیرد. با توجه به آثار دیررس پیوند حقوق بشر با اخلاقیات زیست‌محیطی جامعه پایدار، بحث درباره حقوق زیست‌بومی بشر جدید می‌نماید که در مقام مقایسه این دو سابقه تحولات حقوق بشر، و انتقاد بر محدودیت‌های انسان‌مدارانه در ارتباط با حقوق محیط زیست و نهایتاً دیدگاه جدید زیست‌مداری در اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## تحولات حقوق بشر

نگرانی بین‌المللی پیرامون حقوق بشر، پدیده‌ای نسبتاً جدید است. وفاق عام مبنی بر جهانی بودن این پدیده دیگر نگرانی صرف دولت‌ها نیست بلکه نگرانی کل جامعه بین‌المللی است اما توسعه این رشته حقوقی همانند همتای خود یعنی حقوق بشر و آزادی‌های عمومی در حقوق داخلی نیست.

نکته دیگر در باب ماهیت قضایی حقوق بشر یعنی قابلیت حمایت از آن از طریق مراجع قضایی بین‌المللی، موضوع بحث و جدل است که حاصل تحول تاریخی حقوق بین‌المللی بشر منتج از ایدئولوژی‌های سیاسی لیبرالی و مارکسیستی بعد از جنگ جهانی دوم است.

نکته سوم، بین حمایت از حقوق بشر در سطح داخلی و بین‌المللی ارتباط مستقیم عمده وجود دارد. علی‌رغم اختلاف در مبانی نظری حقوق بشر، باید مفاهیم مدرن آن را از انقلاب‌های انگلستان، فرانسه و آمریکا در قرون هجده و نوزدهم جستجو کرد.

به علاوه، اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل بشر در نخستین گام، به نظام‌های حقوق داخلی بستگی دارد و تنها پس از قصور و ناتوانی نظام داخلی است که راهکارهای بین‌المللی برای تضمین حمایت از حقوق مذکور عکس‌العمل نشان می‌دهد. نهایتاً تحولات حقوق بشر خواه در سطح داخلی یا بین‌المللی، اغلب دارای اثر متقابل بر یکدیگر می‌باشند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌طور غیر معمول و تعجب‌آور، محدودیت‌های خاصی در ارتباط با حقوق خاص ایجاد نمی‌کند بلکه بیشتر بر محدودیت‌های عمومی با اشاره به تکالیف مربوطه تأکید می‌کند. سایر اهداف، مرزها و محدوده‌های هر حق را به‌طور خاص تعیین می‌نماید.

پرفسور سیگارت سه جزء مهم و مستقل فرمول مذکور در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر را چنین بیان می‌کند:

- ۱- محدودیت مذکور باید به موجب قانون مقرر گردد.
- ۲- قانون مذکور باید ضمن مطلوبیت و مقید بودن، ضروری و لازم باشد.
- ۳- باید از یک یا چند موارد محدود منافع عمومی مانند امنیت ملی، ایمنی، نظم عمومی، بهداشت عمومی، اخلاقیات عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران حمایت نماید. (۷) بحث محدودیت حقوق بشر در شرایط قانونی مقرر به‌خصوص در صورت اقتضای منافع عمومی، از بعد نظری در حقوق بین‌الملل بشر مورد پذیرش واقع شده است. اما این محدودیت‌ها گاهی

ضمن بی توجهی به محیط زیست صرفاً اخلاقیات اجتماعی را منعکس می‌سازند. لذا لازم است که در اینجا اخلاق زیست‌محیطی نیز در اعمال محدودیت‌ها مورد توجه قرار گیرد.

علی‌رغم پیش‌بینی این حق در اسناد بین‌المللی و عملکرد مثبت دولت‌ها در راستای قبول این حق، دیدگاه برخی از حقوق‌دانان حقوق بین‌الملل محیط زیست این است که حق مستقل بر محیط زیست هنوز به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل نشده است. (۸) ولی در پاسخ به این انتقاد می‌توان گفت اگر چه حق بشر به محیط زیست هنوز به عرفی مسلم تبدیل نشده است ولی حداقل، حق اساسی بشری است که در بسیاری از اسناد حقوق بشر منطقه‌ای شناسایی و تأکید شده است. بنابراین مدت‌هاست که این حق در مقررات ظهور یافته است.

به عقیده برخی از حقوق‌دانان، حق مذکور بسیار آرمانی و بیانگر اهداف و مقاصد ملی تلقی شده است تا حقوق قابل حمایت قضایی (۹)، ولی برخی دیگر برآنند که شماری از حق‌ها در محیط زیست پذیرفته شده‌اند که به‌طور غیرمستقل وجود دارند و همراه با سایر حقوق مقرر در معاهدات موجود نظیر حق حیات، بهداشت یا مالکیت می‌باشند. در هر حال فعلاً حقوق بشر در بعد زیست‌محیطی می‌تواند ضعف شناسایی صریح حق محیط زیست سالم را در اسناد جهانی حقوق بشر، برطرف سازد و به عنوان "حمایتی نیابتی و جایگزین" در برابر صدمات زیست‌محیطی نقش آفرینی کند. یعنی می‌توان گفت آن حق هم تابعی از حقوق دیگر یا به عنوان حقی مستقل قابل استنباط است.

اما جایگاه این حق به عنوان یک حق اساسی در حقوق داخلی در خیلی از قوانین اساسی کشورها تجلی یافته است. در این رابطه پروفیسور الکساندر کیس و دینا شلتون در آثار خود به آن تأکید کرده‌اند. (۱۰)

### انتقاد به انسان‌محوری در اسناد حقوق بشر

در نظریه انسان‌محوری، حقوق محیط زیست بشر‌گویای این ایده است که محیط زیست و منابع طبیعی فقط بر منافع و انتفاع بشر متکی است. و به خودی خود فاقد ارزش ذاتی است. در این نظریه، انسان از وضعیتی برتر، مقدم و مهم برخوردار است و او را از سایر گونه‌های طبیعی متمایز و مجزا می‌سازد. به‌طور اخص اهداف و ضوابط معموله انسان را در محور قرار داده و استفاده مستمر از منابع می‌تواند بقای بشریت را تأمین کند. حفظ محیط زیست در جهت نیازهای بشری است نه ضروریات و نیازهای سایر گونه‌ها. جدال فلسفی میان اکولوژیست‌ها



با دو نگرش عمقی و سطحی در انتقاد بر نظریه فوق وجود دارد، برخی با نگرش سطحی، دیدگاه انسان محوری حقوق بشر را نامناسب می‌دانند و تلاش در رهایی از آن، پیشنهاد حقوق بشری بودن محیط زیست را دارند که به موجب آن حق برخورداری بشر از بُعد زیست محیطی با بهره‌گیری حق بر محیط زیست از وصف حقوق اساسی بشر خارج است. برخی دیگر با دیدگاه عمقی در رابطه با بهره‌مندی محیط زیست از وصف حقوق بشری، وضعیتی موافق را اتخاذ و پیشنهاد می‌کنند.

استدلال کسانی که دیدگاه حقوق بشری محیط زیست را رد می‌کنند به شرح زیر است:  
اولاً نظریه انسان محوری در حفظ محیط زیست به عنوان گامی در جهت دایمی کردن وجود ارزش‌هایی برای انسان به نظر می‌رسد منشأ تخریب محیط زیست باشد.

ثانیاً اصالت دادن به محیط زیست انسان، حمایت مستقل و جامع از محیط زیست را، رد می‌کند. برای مثال حق حیات، حق بهداشت و وجود استانداردهایی برای زندگی بشر، احتمالاً اهداف و مقاصد حفاظت محیط زیست در خود دارند لکن محیط زیست تنها به عنوان یک اثر، نتیجه و برآیند حمایت از رفاه بشر تا حدی که برای آن لازم باشد، حفاظت خواهد شد. از این رو حق محیط زیست، کلیه نیازها، منافع و ارزش‌های دیگر طبیعت و محیط زیست را به انقیاد نیازها و منافع و روش‌های بشر در می‌آورد. در نتیجه سایر گونه‌های حیات مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. در جهت رفاه بشر، از تخریب محیط زیست باید جلوگیری شود و در جهت حفاظت محیط زیست تأکید می‌کند که رفاه بشر نباید دلیلی بر تخریب یا آلودگی محیط زیست باشد و ارزش اجزای محیط زیست را نباید بر حسب منفعت‌شان مورد ارزیابی و سنجش قرار داد.

ثالثاً انسان‌ها، تنها مبنای جبران این نقض حق به حساب آمده و تنها موجوداتی هستند که در صورت ورود خسارت، از جبران غرامت منتفع می‌شوند. تضمینی وجود ندارد که حق مذکور به نفع و به منظور محیط زیست مورد استفاده و استیفا قرار گیرد و طبیعت هرگز به عنوان قربانی تخریب شناخته نمی‌شود. بنابراین حفظ محیط زیست بر محور نظریه انسان، زیانبار و عنصری حامی محیط زیست و عامل پرداخت‌کننده خسارت زیست محیطی و در عین حال دریافت‌کننده آن، واحد و یکسان می‌باشد. در این حالت، غالباً انسان منافع خود را بر منافع سایر اجزای طبیعت ترجیح خواهد داد.

رابعاً حفظ محیط زیست در مکتب حقوق زیست محیطی بشر، به خواست جدی انسان بستگی دارد و منفعت‌گرایی بشر ثابت کرده که تضمین رعایت حقوق سایر اجزای طبیعت را

نباید به دست انسان‌ها سپرد، زیرا عامل اصلی تخریب محیط زیست نمی‌تواند ضامن حفظ محیط زیست باشد از این رو حفظ محیط زیست را نباید تابعی از اراده بشر قرار داد.

در پاسخ به این انتقادهای، شماری استدلال می‌کنند که می‌توانند تا حدودی نگرانی‌ها را کاهش دهند. بنا به گفته آنها:

اولاً تا اندازه‌ای انسان‌محوری، جزء ضرورت حفاظت از محیط زیست و به اقتضای توزیع و تقسیم قدرت ادراک و تعقل در میان موجودات می‌باشد. از این رو گرچه بشر تنها موجود بیوسفر نیست ولی بر اساس دانش کنونی، تنها گونه‌ای است که از قدرت تعقل و توان پذیرش آگاهی و احترام به حقوق و اخلاق برخوردار است و خود انسان موجود، جزء لاینفک طبیعت است. به‌طور خلاصه، منافع و تکالیف بشریت از حفاظت محیط زیست غیرقابل تفکیک است. دینا شلتون در همین رابطه استدلال می‌کند: "انسان‌ها، اجزا و اعضای غیرقابل تفکیک و جدانشدنی جهان هستند، آنها شریکانی هستند که به تکلیف حفاظت و مراقبت از کلیه عناصر طبیعت به هم پیوسته‌اند، خواه با منافع یا سود اقتصادی فعلی آن آگاه شده باشند یا نشده باشند. این هدف انسان‌محوری باید از منفعت‌گرایی تفکیک گردد. (۱۱) این نویسنده تا آنجا در استدلال خود پیش می‌رود که می‌گوید: حق زیست‌محیطی بشر در کنار شناسایی ارزش‌های ذاتی طبیعت مستقل از نیازهای بشر، می‌تواند مکمل حفاظت جامع‌تر از بیوسفر باشد. بایرنی و بویل می‌گویند دیدگاه انسان‌محوری، به‌طور مثبت، منحصر به فرد بودن حق بشر بر محیط زیست نه تنها موضوع حفاظت محیط زیست را تنزل نمی‌دهد بلکه به‌طور مؤثر آن را با اوصاف این رابطه، به عنوان امانتی که صرفاً به تأمین نیازهای عاجل انسان اختصاص ندارد، بیشتر مطابقت می‌دهد. (۱۲) اینها برآیند این مسأله را موضوع ساختاری تلقی کرده که در راستای آن تمنیات حقوق بشری در چارچوب آن ساختار، سازوکار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی که در میان سایر عوامل قادر به در نظر گرفتن ارزش‌های ذاتی، نیازهای نسل‌های آینده و منافع متعارض کشورها می‌باشد. هر چند با نگاه به این تأسیسات و نهادهای حقوق بشری باید گفت این ترتیبات بسیار محدودتر از آن هستند که بتوانند این عوامل را تعادل بخشند و در مقابل سازوکارهای سازمانی دیگری ممکن است مانع از تحقق این دیدگاه شوند و این می‌تواند در عمل اتفاق بیفتد. (۱۳)

رولستون نیز در مجموع از وضعیتی موافق "حقوق زیست‌محیطی بشری" حمایت می‌کند. وی الگوی حقوق بشر برای حمایت از نیاز انسان به محیط زیست سالم را مورد پذیرش قرار

می‌دهد و در مقابل مسئولیت بشر در قبال محیط زیست را پیش‌بینی می‌کند. (۱۴) به گفته نایکل<sup>۱</sup> حقوق بشر نقش مفیدی بازی می‌کند، (۱۵) با این استدلال که انسان‌محوری زیستی می‌تواند به موجب دیگر اشکال مربوط به این مسأله تکمیل شود آن‌چنان ایراد مهمی نمی‌بیند و دیدگاه خود را تطبیق‌سازی می‌نامد و آن را بخش مهمی از مجموعه هنجاری مکتب حفاظت محیط زیست تلقی می‌نماید. (۱۶)

در کوتاه‌مدت ممکن است دیدگاه‌هایی از این دست در کمک به تحول نظریه حقوق محیط زیست از انسان‌محوری به چشم‌انداز زیست‌محوری مفید باشند ولی در بلند مدت وجود حق زیست‌محیطی بشر را می‌توان به عنوان عقیده متضاد تلقی نمود. راه حل میانه این است که نظریه حقوق بشر در کل به گونه‌ای تحول یابد که انسان را جزء لایتجزای بیوسفر به حساب آورد و طبیعت را دارای ارزشی ذاتی بداند تا بشر در قبال محیط اطراف خود متعهد و مسئول باشد. در یک کلام اینکه محدودیت‌های زیست‌بومی همراه با تعهدات تکمیلی باید اساس و اعتقاد و بستر حقوق بشر باشند.

تلاش‌ها برای غلبه دیدگاه طبیعت‌محوری بر نظریه انسان‌محوری زیاد است. آنچه که در تمامی این‌گونه اظهار نظرها مشترک است، تلاش برای شناسایی دقیق، ارزش ذاتی محیط است. دیدگاه‌های مذکور در تحول و وصول به این هدف با هم متفاوتند. چرا که برخی از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که باید در چارچوب حق‌های قابل اعمال قانونی آنها را به انجام رساند. از سوی دیگر برخی دیگر استدلال می‌کنند حل این مسأله باید از طریق اعلام ارزش‌ها یا وضعیت‌هایی شناسایی گردد که انسان را ملزم کند تا منافع طبیعت را با اولویت مدنظر قرار دهد که در وضعیت عادی به آنها نمی‌پردازد. به قول گیانو کاوو و گولدستین،<sup>۲</sup> مفهوم حقوق طبیعت در حکم یک راه حل دقیق قانونی است که همانند بیشتر راه‌حل‌های حقوقی دیگر از طرح مشکلات جدی برای تغییر جهان جلوگیری می‌کند. (۱۷) به نظر آنها حقوق، روش مناسب برای اصلاح اجتماعی است، زیرا مقررات این حقوق افراد را با تغییر رفتارشان، به سمت ارزش‌گذاری موجودات هستی (که همان طبیعت است)، رهنمون می‌سازد. اینها این تئوری را که حقوق قانونی به دارنده آن برخی امتیازات را اعطا می‌کند، ادعایی نادرست می‌دانند و عقیده دارند که این امتیازات تنها به وسیله نهادها و تأسیسات حقوقی (یعنی سازمان‌بندی‌های مربوط به مسائل خاص قضایی و حقوقی)،

1- Nickel

2- Giagnocavo and Goldstein.

ارزش به حساب می‌آیند، نه به وسیله کل جامعه. استون<sup>۱</sup>، محدودیت‌های حقوقی که در تئوری مطرح می‌شود را می‌پذیرد و در آخر مقاله خود اهمیت تغییر آگاهی زیست‌محیطی را مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌گوید اگر اصلاحات قانونی با روند اصلاحات اجتماعی سازگار نباشد، فاقد جایگاهی اساسی در احساس ما به محیط پیرامون ما می‌باشد و امری ناکافی و غیر مؤثر خواهد بود. (۱۸) به نظر وی حقوق را نمی‌توان به عنوان هدف تلقی کرد بلکه بیشتر به عنوان یک ابزار می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. (۱۹)

### گذار به پذیرش ارزش ذاتی محیط زیست

بسیاری از حقوق‌دانان محیط زیست خصلت عمده انسان‌محوری حقوق محیط زیست را مورد ایراد قرار داده‌اند و خواهان چرخش به خصلت زیست‌مدارانه آن هستند و با طرح "حمایت افراطی از گونه‌ها"، استدلال می‌کنند که مسائل زیست‌محیطی را نباید از دریچه حقوق بشری بنگریم بلکه عقیده دارند که چه در حقوق طبیعت و چه حقوق بشر محدودیت‌های اعمال شده را باید با ارزش‌های ذاتی محیط زیست منطبق کنیم. اولویت دیدگاه حقوق طبیعت به عنوان یک اصل در کنار توجه به ارزش‌های ذاتی در درجه بعدی نمی‌تواند چرخشی زیست‌مدارانه باشد، بلکه همان‌طور که اشاره شد این اندیشه حقوقی شماری مشکلات به دنبال دارد که مهم‌ترین آنها اینکه خود انسان‌ها در این میان تنها سازندگان حقوق فردی و عرفی خود بر محوریت نظریه انسان‌محوری هستند، که این خود‌گویای این تصور همگانی است که بحران محیط زیست جهانی نیز در گام اول توسط خود انسان‌ها ایجاد شده است.

مفهوم اصطلاحی حقوق زیست‌محیطی بشر تلاش دارد تا بنیاد فلسفی حقوق بشر را با اصول زیست‌بومی آشتی داده و میان آنها سازگاری ایجاد کند. هدف این است که ارزش‌های ذاتی بشر با ارزش‌های ذاتی سایر گونه‌های طبیعی موجود در طبیعت به هم پیوند یابند. در نتیجه تصورات حقوق بشر مانند کرامت انسانی، آزادی، مالکیت و توسعه دربردارنده این واقعیت است که انسان‌ها نه تنها در محیط اجتماعی بلکه در محیط طبیعی عمل می‌کنند لذا افراد به همان اندازه که به ارزش ذاتی افراد هم‌نوع خود احترام می‌گذارند باید ارزش ذاتی سایر موجودات طبیعی (از جمله حیوانات، گیاهان و اکوسیستم‌ها) را نیز محترم شمارند.

"احترام" به دیگران به عنوان شاخص و عامل تعیین کننده آزادی فردی در ادبیات علم اخلاق و حقوق بشر از جهاتی دارای کاربردی مشترکند. به عنوان یک قاعده اخلاقی، در روابط انسان با محیط زیست غالباً از واژه "احترام" استفاده می شود. برای مثال، پل تیلور در کار موثر خویش به نام "احترام به محیط زیست" ۱۹۸۶ یا تام ریگان در اثر اخیر خود پیرامون تعهدات اخلاقی و حقوقی از این ترتیبات گفتگو کرده اند. (۲۰) اصل نوشته های اخلاقی معاصر، "ارزش های ذاتی" را به عنوان مبنای توجه اخلاقی و "احترام" را مبنای تعهدات شخصی تلقی می کند.

در تئوری حقوق بشر نیز، مفهوم "احترام" مبنای حقوق بشر تلقی می شود. مک دوگال، لاسول، چن در اثر مشهور خود پیرامون حقوق بشر (۱۹۸۰)، "احترام" را به عنوان پذیرش متقابل آزادی انتخاب، تعریف کرده اند و ادعا می کنند که با استفاده از این اصل جهانی کلیه جنبه های حیات را که مستلزم حمایت حقوقی در چارچوب قانون می باشند، می توان تحت پوشش قرار داد.

تئوری عدالت جان راولز به وجود اصلی تأکید می کند که به موجب آن احترام به ارزش ذاتی حیات می تواند رابطه بین فرد و جامعه را از یک طرف و رابطه انسان و محیط زیست را از طرف دیگر سازماندهی و رهبری کند. (۲۱)

### شناسایی حق بشر بر محیط زیست در سطح بین المللی

پرفسور رنه کاسن، برنده جایزه نوبل در درس آکادمی لاهه در سال ۱۹۷۴ می گوید: مفهوم کنونی حمایت از حقوق بشر باید به حق بر محیط زیست بهداشتی و پاک عاری از آلودگی مشابه حق بر آب و هوای پاک و سالم گسترش یابد. (۲۲) در همین زمان تدوین حقوق بشر جدید در سایه حمایت از افراد در برابر خطرات آلودگی، تأمین و عرضه مناسب و کافی آب شیرین و تضمین هوای پاک و نهایتاً حیات پایدار بشر بر کره زمین مورد توجه گسترده قرار گرفت.

عوامل متعددی در اندیشه حمایت از انسان و حفظ محیط زیست وی، فعالیت های انسانی را در بر می گیرند که بیشتر این فعالیت ها در جهت حل مسائل زیست محیطی است. سازمان های بین المللی ضرورتاً حل مشکلات منطقه ای و جهانی تلاش گسترده ای را آغاز کرده اند. در منطقه اروپا شورای اروپا مهم ترین سازمان منطقه ای است که در زمینه وضعیت حقوقی اشخاص و گروه های خصوصی در ارتباط با زیست بوم گام برداشت و به ایجاد تعهدات الزامی دست یازید و در مواردی مستقیماً توسط اشخاص، گروه ها و سازمان های غیردولتی اجراء آنها را تکلیف کرد.

در سطح جهانی هم پیشنهادهایی جهت شناسایی حق بر محیط زیست ارائه شد که مبنای آنها را باید، حق افراد بر محیط زیستی سالم و بهداشتی تضمین شده در نظام حقوقی جامعه اروپا دانست و ضروری بود که در سطح "حقوق بین الملل" نیز رسمیت یابد.

هر چند اعلامیه استکهلم در سال ۱۹۷۲ حق بشر را از دیدگاه فلسفی بنیان نهاده بود لیکن سازمان ملل در چنان موقعیتی نبود که تضمین های لازم در جهت حمایت از اعمال این حق به عمل آورد با این حال شورای حکام یونپ توجه خاصی نسبت به حق برخورداری اشخاص به محیط زیست سالم مبذول داشته بود.

اگرچه آگاهی از ضرورت حمایت از حق بشر به حیات آهنگ رشد فزاینده ای دارد، گرایش وسیع در عرصه بین المللی در جهت حل بحران انرژی و برنامه ریزی توسعه صنعتی، آهنگ توسعه اقتصادی ملی، اصل توسعه پایدار را وجهه همت خویش قرار داده اند. لکن فشارهای اقتصادی عصر حاضر گویای این واقعیت است که ملاحظات زیست محیطی به ویژه در کشورهای در حال توسعه در اولویت پایین قرار دارند. حتی در کشورهای توسعه یافته نیز این دسته بندی طولی محیط زیست را در اولویت بعدی قرار می دهد.

همین وضع در خصوص حق جدید بشری بر محیط زیستی بهداشتی و سالم در نظام بین المللی جدید حقوق بشر وجود دارد. در واقع دولت ها از اینکه خود را در برابر محاکم بین المللی، خوانده و متشاکی بینند، چندان راضی نیستند. در نتیجه دولت ها بسیار نگرانند که حق بر محیط زیست بتواند همانند حقوق دیگر بشری، روزه ای برای گسترش نظارت بین المللی بر عملکرد آنها در رسیدگی قضایی و محاکمه آنها باشد. لذا با احتیاط کامل برخورد می کنند شاید به همین دلیل باشد که حق بر محیط زیست در نظام جهانی حقوق بشری شناسایی و رسمیت یافته است.

### حق بشر بر محیط زیست سالم از جمله حقوق اساسی وی است

استنباط و استخراج حق بشر بر محیط زیست سالم از سایر حقوق اساسی بشری دارای قوت و ضعف است. قوت آن در این است که وجود این حق یکی از لوازم اساسی و از آثار اصلی حقوق نسل اول و دوم تلقی می شود ولی ضعف آن در این است که حق مذکور از استقلال برخوردار نیست. از این رو، اختلاف نظر دولت ها بر وسعت حق مذکور اثر جدی می گذارد و از آنجا که هنوز محتوای دقیق این حق به رغم اقدامات مختلف و متعدد مراجع بین المللی اعم از

مراجع قضایی، یا شبه قضایی و یا سیاسی روشن نیست، استنباط حق بشر به محیط زیست سالم به عنوان حقوق اختلافی، با مشکل روبه‌رو می‌گردد.

از آنجا که برخی از حقوق متعلق به نسل اول و دوم، دارای ابعاد زیست‌محیطی هستند، از بررسی محتوایی این حقوق در می‌یابیم که حتی اگر حق مستقل بر محیط زیست بشریت وجود نداشته باشد، تحقق کامل و مجزای این حق، خود مستلزم این است که محیط زیست سالم به عنوان مؤلفه‌ای اساسی مورد دقت قرار گیرد و به این ترتیب حق انسان بر محیط زیست سالم به عنوان لازمه تحقق و استیفای سایر حقوق یا یکی از اجزای آنها تبدیل خواهد شد. از طرف دیگر به علت خصوصیت مشترک مجموعه رشته‌های حقوقی (نظم بخش روابط انسان‌ها در جهت تأمین سعادت آنها و تضمین زیست پایدار جمعی) این اصول مشترک بر عرصه‌های مختلف آن حاکم‌اند. به همین دلیل، روابط میان آنها امری قهری، غیرقابل اجتناب و بدیهی است.

پیوند حقوق بشر و محیط زیست در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست مصداقی روشن از پیوند و ارتباط شاخه‌های مختلف حقوق بین‌المللی است. اما این پیوند بدون اشکال نیست. در اینجا، برخی از حقوق بشری را که دارای ابعاد زیست‌محیطی هستند و موید وجود حق بشریت بر محیط زیست سالم است، یادآور می‌شویم: حق حیات، حق مشارکت، حق دستیابی به اطلاعات و اخبار، حق آموزش و پرورش، حق بر نیازهای اولیه زندگی و لوازم بقا از جمله این حقوقند.

حق بر محیط زیست سالم، بهداشتی و پاکیزه، یکی از لوازم تحقق کامل و استیفای واقعی حق حیات است. به بیان دیگر، زندگی بدون گذران عمر در محیط و فضای سالم، آباد و بهداشتی مقدور نیست. پیشرفت علم زیست‌شناسی، بوم‌شناسی، پزشکی و نظایر آن و در عین حال تجارب ناشی از وقایع تلخ زیست‌محیطی مانند حوادث بوبال هند و چرنوبیل شوروی سابق، تأثیر ناگواری بر حیات نسل‌های حال و آینده بشر و همچنین بقای سایر گونه‌های گیاهی و جانوری برجای می‌گذارد. انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهنده لایه ازن تهدیدی جدی برای حیات کل بشر و عامل نگرانی بشریت است. بنابراین استیفای حق حیات و برقراری امکان بقای نسل‌های فعلی و تمهید حیات برای نسل‌های آتی، مستلزم آن است که محیط زیست کنونی و کلیه عرصه‌های آب، خاک، هوا، اکوسیستم از وضع ناگوار ناشی از تخریب و آلودگی‌های یافته و حتی کیفیت آن بهبود یابد. آلودگی محیط زیست و تخریب آن به دلیل به هم خوردن تعادل زیست بوم، حیات پایدار بشریت را با خطر جدید روبه‌رو می‌سازد و حتی ممکن است بقای

نسل‌های آینده را با مشکل روبه‌رو سازد.

حق بشریت بر محیط زیست سالم، مقدمه‌ای بر استیفای کامل حیات است، (۲۳) این دو حق چنان لازم و ملزوم یکدیگرند که نقض یکی موجب نقض دیگری است. مختصر آنکه، چون حق حیات حقی ذاتی است، جز در موارد استثنایی (آن هم به عنوان سلب غیر خودسرانه حیات نه تعلیق این حق در شرایط اضطراری دولتی) خدشه‌پذیر نیست، وقتی حیات ممکن است که بستر و محیط آن شرایط لازم را برای زندگی پایدار داشته باشد. در واقع تصور حیات انسان، این موجود خاکی، جز در کره زمین سالم و پاک مقدور نیست. در نتیجه، چون حق حیات قلمرو زمانی نامحدودی دارد و در زمان جنگ و صلح ساری و جاری است (۲۴) ابعاد زیست‌محیطی این حق نیز واجد این اوصاف خواهد بود مگر آنکه اصل تناسب و ضرورت عملیات نظامی، آلودگی‌ها و تخریب‌های ایجاد شده را توجیه کند. با این حال از نظر حقوقی تفاوت‌های ریز بین حق بشر به محیط زیست سالم و حق حیات وجود دارد. حق حیات اگرچه اولین و اساسی‌ترین حق نوع انسان است ولی حق بر محیط زیست سالم حداقل از نظر تأثیر روابط و نظم زیست‌بوم گستره‌ای وسیع‌تر دارد. به عبارت دیگر، حق حیات صرفاً به انسان تعلق دارد ولی حق بر محیط زیست حیات را علاوه بر انسان برای سایر موجودات زنده گیاهی و جانوری تضمین می‌کند، چراکه به خطر افتادن حیات گونه‌های مذکور سبب به هم خوردن تعادل زیست‌بوم و در نتیجه به خطر افتادن امکان بقای بشر می‌گردد.<sup>۱</sup>

### حق بر محیط زیست سالم در پرتو حقوق همبستگی

حقوق همبستگی که مرحله سوم حقوق (یعنی از حقوق آزادی به برابری و سپس به برادری) می‌باشد گویای تحول مبانی روابط تابعان حقوق بین‌الملل و بازیگران جامعه بین‌المللی از "همکاری مبتنی بر منافع مشترک" به "همبستگی مبتنی بر ضروریات زیست بین‌المللی و جمعی" است. به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰، اعضای جامعه بین‌المللی در می‌یابند که تنها با تکیه به منافع متقابل نمی‌توانند به حل مسائل جدید بپردازند. برخی از عرصه‌های این روابط، با سرنوشت جمع آنان و بشریت گره خورده است و تبعیت از منافع مستقل ملی یا گروهی

۱- این منصرف از دیدگاه زیست‌محوری است، زیرا در دیدگاه اخیر، کلیه اجزای محیط زیست از شخصیت و حرمت مستقل برخوردارند بدون آنکه این امر از بشر نشأت گرفته باشد.



نمی تواند نظم بخش مناسب روابط عرصه موجود باشد. لذا چاره را در این می بینند که با منافع خویش به نفع سرنوشت بشریت به مسائلی فراسوی دولت ها بیندیشند.

مجموعه حقوق همبستگی که به نسل سوم حقوق بشر موسوم است شامل حق بر محیط زیست، حق بر توسعه (۲۵)، حق صلح (۲۶) و حق بر میراث مشترک بشریت، که مجموعه آنها گویای تحول حقوق بین الملل از برابری رسمی به برابری حقیقی از یک سو و از همکاری به همبستگی هستند. (۲۷) حق بر صلح، مانعی حقوقی در استمرار وضعیت جنگی است ولی بدون برطرف کردن فاصله کشورهای در حال توسعه با کشورهای صنعتی پیشرفته، هیچ صلحی پایدار نخواهد ماند. از سوی دیگر حق بر توسعه نیز باید در پرتو حق بر محیط زیست استیفا شود<sup>۱</sup> و گرنه حیات توأم با صلح به خطر خواهد افتاد.

پیوستگی عناصر چهارگانه حقوق همبستگی، بررسی مستقل آنها را غیرممکن و ابتر می نماید لکن به جهت پی جویی حق بر محیط زیست تنها به آن می پردازیم.

تحول این حق در اسناد بین المللی را ابتدا باید در اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم جستجو کرد که نخستین گام جامعه جهانی در اعطای وصف حقوق بشری به حفاظت محیط زیست است. اصل اول اعلامیه مزبور به خوبی و با صراحت، پیوند محیط زیست با حقوق بشر را در چارچوب حق بر محیط زیست یعنی حق بهره مندی همگان از محیط زیستی مناسب با زندگی پایدار شرافتمندانه را اعلام می دارد و این حق را مکمل دو نسل دیگر حقوق بشر یعنی حقوق آزادی و برابری قلمداد می کند. محیط زیست مورد نظر در این اصل محیطی است که به "بشر امکان زندگی سعادت مند و شرافتمندانه را اعطا نماید". پروفیسور الکساندر کیس در تفسیر حق بر محیط زیست در این اصل و علت کاربرد این قیود پس از اصطلاح محیط زیست را نبود تعریفی عام، جامع و پذیرفته شده از اصطلاح محیط زیست در اسناد بین المللی می داند. (۲۸) در هر حال در این اصل، بهره مندی از محیط زیستی مناسب با زندگی سعادت مند و شرافتمندانه به همان اندازه مهم تلقی می شود که داشتن حقوق مدنی و سیاسی (حقوق آزادی نسل اول) و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حقوق برابری نسل دوم).

در اصل هشتم اعلامیه استکهلم "توسعه اقتصادی و اجتماعی برای تضمین محیط زیستی مناسب جهت زندگی و محیط کار انسان و ایجاد شرایط ضروری بهبود کیفیت زندگی، لازم

۱- همین تعبیر در زبان حقوق به عنوان اصل توسعه پایدار معروف است.

می‌باشد که در این اصل مجدداً تأکید به داشتن محیط زیستی مناسب برای زندگی و گذران عمر به طور عام و برای کار به طور خاص می‌کند و در اصل یازدهم اعلامیه مزبور "سیاست‌های ملی در مورد حفاظت محیط زیست... نباید مانع ایجاد شرایط بهتر زندگی برای همگان شود..." که شرایط بهتر زندگی، آن چنان کلی است که محیط زیست سالم نه تنها در میان بلکه در رأس آن قرار می‌گیرد. در پیش نویس میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی سال ۱۹۸۲ که برای دهمین سالگرد اعلامیه استکهلم تدارک شد در خصوص حق بر محیط زیست که تا آن تاریخ به عنوان یک حق غیرمستقل از دیگر حقوق بشری تلقی می‌شد تجدید نظر به عمل آورد. عبارات پیش‌بینی شده در مقدمه پیش نویس این میثاق، به‌خوبی حفاظت از محیط زیست را در جهت مسیر مفاد حقوق بشر منشور ملل متحد می‌نمایاند. در بند سوم مقدمه آن پیوند مصادیق حقوق همبستگی به‌ویژه با حق بر محیط زیست، اهمیت حمایت از حقوق بشر در منشور ملل متحد و گستره حقوق و تکالیف این نسل جدید حقوق بشری پیش‌بینی شده است.

سند دیگر، منشور جهانی طبیعت است که در سال ۱۹۸۲ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است (۲۹) که ضمن شناسایی حق بر محیط زیست، نحوه اجرای آن توسط اشخاص حقیقی و حقوقی به‌ویژه دولت‌ها را مقرر می‌دارد. در ماده ۱۶ آن لزوم پیش‌بینی حفاظت محیط زیست در برنامه‌های توسعه مقرر شده و در ماده ۲۱ آن لزوم خودداری دولت‌ها در ایراد خسارت فرامرزی به محیط زیست دیگر دولت‌ها با مشترکات جهانی مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است.

سند دیگر، منشور ۱۹۸۱ آفریقایی حقوق بشر و اقدام از جمله اسناد منطقه‌ای الزام‌آور است که صراحتاً بهره‌مندی از محیط زیست را به عنوان یک حق بشری تلقی می‌کند. (۳۰)

سند دیگر پروتکل ۱۹۸۸ سان سالوادور که دولت‌ها عضو سازمان کشورهای آمریکایی در جهت تکمیل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در اسناد حقوق بشری خویش به‌ویژه کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اقدام نمودند که در ماده ۱۱ آن صراحتاً به حق بر محیط زیست تأکید دارد.

سند دیگر، اعلامیه ۱۹۹۲ ریو که تأکید مجددی است بر اعلامیه استکهلم که در قسمتی از اصل اول اعلامیه ریو تأکید می‌کند "انسان‌ها حق دارند از زندگی سالم و سازنده و همساز با طبیعت بهره‌مند باشند."

متن دیگر گزارش جهانی خانم فاطمه زهرا سنتینی که به تصویب کمیسیون فرعی منع

تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها رسیده است (۳۱) که در آن پیوند حقوق بشر و محیط زیست کاملاً هویداست. به‌ویژه در ضمیمه اول گزارش که به اعلامیه حقوق بشر و محیط زیست معروف است، حق بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب پیش‌بینی شده است.

سند دیگر، اعلامیه جامعه مدنی در خصوص محیط زیست و حقوق بشر است که سازمان‌های غیردولتی اروپا و آمریکای جنوبی به مناسبت اجلاس ظرفیت جهانی پیرامون حقوق زیست‌محیطی و بشر در اول دسامبر ۲۰۰۱ در لندن صادر نموده‌اند که این موضوع برای نشست جهانی سران در سال ۲۰۰۲ پیرامون توسعه پایدار پیشنهاد شده است که در آن مجدداً بر حق بر محیط زیست سالم و بهداشتی تأکید شده است و حق برخورداری از زندگی مناسب و به دور از فقر به عنوان حق بنیادین بشری یادآور می‌گردد.

### پذیرش جهانی حق بر محیط زیست

امروزه دیگر حق بر محیط زیست تنها یک آرزوی طرفداران محیط زیست نیست، بلکه قواعد حقوقی موجود آن را مورد تأکید قرار می‌دهند. (۳۲) ولی اگر از اعلامیه‌های غیرالزام‌آور سازمان‌های بین‌المللی بگذریم تنها منشور آفریقایی حقوق بشر و شهروند و پروتکل ۱۹۸۸ سان سالوادور حق بر محیط زیست را به عنوان حقی بشری در کنار اعلامیه‌های اتحادیه اروپا از قدرت الزام‌آور حقوقی برخوردارند. آن هم باید تأکید کرد که این اسناد به حقوق بشر منطقه‌ای اختصاص دارند به رغم آنکه حق بر محیط زیست به صورت غیرمستقل و در نتیجه سایر حقوق بشر از کلیه اسناد جهانی حقوق بشر قابل استنباط اند، لیکن اسناد الزام‌آور، حقوق جهانی بشر از شناسایی صریح حق مذکور به مثابه یک حق مستقل بشری بازمانده‌اند.

از آنجا که اسناد منطقه‌ای مذکور، گویای حقوق جهانی بشر نبوده و حتی در سطح این مناطق نیز وفاق عام وجود ندارد، لذا نمی‌توان اعتقاد راسخ دولت‌ها (Opinio Juris) را اصرار کرد و در رابطه با عرفی شدن این حق در نتیجه عملکرد دولت‌ها، چندان تلاش دیده نمی‌شود. متأسفانه عملکردهای داخلی دولت‌ها نیز در وضع مقررات داخلی در شناسایی و اجرای این حق نیز آن‌چنان روندی ندارد که بتوان قاعده‌ای عرفی را در این خصوص تکوین یافته دانست.

### گذری بر حق محیط زیست در نظام حقوق بشری ملل متحد

نظام حقوق بشر ملل متحد، متکی بر اسناد حقوق بشری سازمان ملل به صورت اعلامیه‌ها،

میثاق‌ها یا کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویب شده، ضمن قابلیت جهانشمولی از حقوق اساسی نوع بشر براساس اصل کرامت ذاتی آنها یاد می‌کنند.

در خصوص پیدایی حق بر محیط زیست، تا کنون مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های مکرر بر ضرورت حفاظت از انسان و محیط زیست در برابر آثار زیانبار فعالیت‌های مختلف انسانی و دخالت در چرخه زیست بوم اشاره دارد. قطعنامه ۲۳۸۹ دسامبر ۱۹۶۸ اولین قطعنامه در این خصوص است. قطعنامه دیگر ۳۸/۱۴۹ مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ تلاش دارد با محدود کردن فرآورده‌های زیانبار برای بهداشت و محیط زیست، مقدمات هدایت دولت‌ها به سمت تولید محصولات پاک یا سبز<sup>۱</sup> را فراهم کند. (۳۳) در سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی صراحتاً بهره‌مندی از محیط زیست سالم را لازمه رفاه، به شهروندان به مفهوم ماده ۱۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تلقی کرد. (۳۴)

یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوق بشر در این نظام، کمیسیون حقوقی است که زیر نظر شورای اقتصادی و اجتماعی انجام وظیفه می‌کند. براساس تشویق مجمع عمومی به نحو مقرر در بند ۳ قطعنامه ۴۵/۹۴، این کمیسیون، ضمن تعیین نماینده‌ای ویژه برای تهیه گزارش راجع به پیوند حقوق بشر و محیط زیست، گزارش نهایی نماینده مذکور را در سال ۱۹۹۴ به تصویب رساند، که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حمایت از حق بر محیط زیست بشر در جهان است و در گزارش‌ها و حتی آرای متعدد قضایی به آن استناد می‌شود.<sup>۲</sup>

این گزارش در عین حال، مورد بررسی‌ها و تحلیل‌های متعدد قرار گرفته است که در میان آنها، نقد و بررسی انجمن‌های غیردولتی طرفدار محیط زیست، اهمیت به سزایی دارد. (۳۵) لازم به ذکر است که کمیته حقوق مدنی و سیاسی نیز در این زمینه گام‌هایی برداشته است که صدور نظریه مورخ ۱۲ نوامبر ۲۰۰۰ علیه نیوزیلند در قضیه آپیراناماهویکا و سایرین، از آن جمله است.

#### 1- Clean or Green Products

۲- به‌عنوان مثال به آرای صادره از دیوان آمریکایی و اروپایی حقوق بشر پیرامون فضایای لوپز-اوسترا و نظایر آن مراجعه شود.

### حق بر محیط زیست در نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر

نظام آمریکایی حقوق بشر در چارچوب سازمانی بین‌المللی تحت نام "سازمان کشورهای آمریکایی"<sup>۱</sup> به استناد کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ که به کنوانسیون سن خوزه نیز معروف است، دارای معاهده‌ای جامع و کامل و مفصل حقوق بشر است که کشورهای آمریکایی را مدنظر قرار می‌دهد. این سازمان در عین ارتباط با کشورهای آمریکایی از آنها مستقل است. نهاد نظارتی آن شامل دو رکن سیاسی و قضایی است یعنی کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و دیوان آمریکایی حقوق بشر. کمیسیون در رسیدگی به شکایات از اختیارات عمده‌ای برخوردار است و پس از انجام تحقیقات، نهایتاً دعوی را به دیوان آمریکایی حقوق بشر جهت رسیدگی قضایی و صدور حکم واجد ضمانت اجراء، ارجاع می‌نماید. دیوان قادر به اعمال صلاحیت توافقی، با صدور دستور موقت و هم حکم به جبران خسارت می‌دهد. این حکم برای دولت‌های عضو قطعی و لازم‌الاتباع است. (۳۶)

### حق بشر بر محیط زیست و نحوه حمایت از آن

در رابطه حقوق بشر و محیط زیست پس از ۱۹۹۹ دعوی ای در دیوان آمریکایی حقوق بشر (در سن خوزه کاستاریکا) و کمیسیون آمریکایی حقوق بشر (در واشنگتن دی.سی) مطرح می‌گردد که دیوان و کمیسیون مذکور را به عکس العمل وا می‌دارد.

حق بر محیط زیست به استناد پروتکل سان سالوادور مصوب ۱۷ نوامبر ۱۹۸۸ نهایتاً در قطعنامه ۵ ژوئن ۲۰۰۱ سازمان کشورهای آمریکایی مطرح شده است. در ماده ۱۲ پروتکل سان سالوادور آمده است: ۱- هر کس باید از حق زندگی در محیط زیستی سالم برخوردار بوده و به خدمات عمومی اساسی دسترسی داشته باشد. ۲- دولت‌های عضو باید حفاظت، مراقبت و بهبود محیط زیست را ارتقا بخشند.

به موجب این ماده، حق بر محیط زیست دیگر حقی صرفاً متعلق به نسل سوم نیست که استیفای آن به تحولات ساختار جوامع منوط گردد. بهره‌مندی از محیط زیست سالم و بهداشتی ضمن آنکه حقی همگانی است بلکه رعایت آن نیز تکلیفی عام و همگانی می‌باشد. اما در این میان نقش دولت به لحاظ در اختیار داشتن امکانات مادی و معنوی لازم برای تحقق و استیفای

کامل این حق، اهمیت بیشتری دارد به همین خاطر تکلیف دولت بیشتر است. سند دیگر قطعنامه حقوق بشر و محیط زیست است که در سومین جلسه مجمع عمومی سازمان کشورهای آمریکایی به تاریخ ۵ ژوئن ۲۰۰۱ به تصویب رسیده است که در قسمتی از قطعنامه از دولت‌های عضو می‌خواهد ضمن قبول ضرورت بهبود حفاظت محیط زیست و انتفاع کامل از کلیه حقوق بشری، بررسی و مطالعه رابطه موجود بین محیط زیست و حقوق بشر را مورد تأکید قرار دهند. (۳۷)

### اقامه دعوی و طرح شکایت زیست‌محیطی در نظام آمریکایی حقوق بشر

اقامه دعوی و تنظیم شکوائیه علیه پیامدهای زیست‌محیطی ناقض حقوق بشر تنها زمینه عمده برای حل مشکلات زیست‌محیطی در نظام آمریکایی حقوق بشر است. طرح این‌گونه دعاوی پدیده نسبتاً جدیدی است که در نظام آمریکایی حقوق بشر امکان‌پذیر است. امید است تعداد این‌گونه دعاوی به عنوان حق بشر یا بر حقوق زیست‌محیطی بشری افزایش یابد تا امکان ایجاد رویه قضایی بین‌المللی در رشته حقوق محیط زیست فراهم گردد و احتمال گرایش قضات و اعضای کمیسیون به نگرانی‌های حقوق زیست‌محیطی بشری را افزایش دهد.

تدابیر احتیاطی یا اقدامات موقت ممکن است برای وضعیت‌های فوری عکس‌العمل سریع در برخورد با سوءاستفاده‌های زیست‌محیطی را لازم بداند لذا کمیسیون و دیوان، صلاحیت صدور تدابیر احتیاطی و اقدامات موقتی را دارند و دولت‌ها باید در پای‌بندی به درخواست‌های دیوان و کمیسیون به موقع عکس‌العمل نشان دهند.

یکی از ساز و کارهای مهم که توسط کمیسیون و دیوان برای اعمال فشار بر دولت‌ها صورت می‌گیرد گزارش‌های صادره است که به موجب آنها دولت‌ها را به پای‌بندی به قوانین زیست‌محیطی یا پاسخگویی به تدابیر جبرانی لازم برای خسارات وارده به قربانیان و ادار می‌سازد. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند با ارائه اقدامات دقیق نسبت به وقایع اتفاقیه زیست‌محیطی کمیسیون را یاری داده و کمیسیون در گزارش‌های خود آنها را مستند قرار دهد.

نظام آمریکایی حقوق بشر می‌تواند به عنوان ابزاری مهم برای بررسی مسائل زیست‌محیطی در نیمکره آمریکا باشد و حتی رویه قضایی آن سایر قاره‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال این نظام همیشه مناسب‌ترین وسیله یا ابزار انحصاری برای دفاع از محیط زیست نیست.

نظام مذکور برای دفاع در برابر سوءاستفاده‌های زیست‌محیطی اقدامات مختلفی به عمل

می آورد که ممکن است به پیشگیری آنها اقدام نماید. این نظام چیزی بیش از یک محکمه صرف برای طرح دعوی می باشد. دولت ها در رجوع به این دیوان تمایل ندارند و برای حل اختلافات خود به سایر راه حل های غیر قضایی متوسل می شوند. نتایج حاصله از نظام مذکور متعددند از آن جمله جبران اجباری تا وضع مقررات جدید، تدوین برنامه های آموزشی، انتشار تجارب منطقه ای و بین المللی در خصوص محیط زیست می باشد.

واقعیت این است که شناسایی تدریجی حقوق زیست محیطی بشری توسط نظام مذکور و چگونگی تأثیر پذیری منفی حقوق بشر از تخریب محیط زیست قابل توجه است. این امر تنها وقتی به دست می آید که دعاوی دارای ماهیت درجه اول زیست محیطی به آن نظام ارجاع شود. در این میان سازمان های غیر دولتی طرفدار محیط زیست، وسیله ای مفید برای تحقق دستاوردهای مذکور می باشند. پیروزی های کوچک زمینه های اولیه ایجاد رویه قضایی، تجربه و سابقه را فراهم می کنند و ضمن ایجاد آگاهی های عمومی موجب تنویر افکار، زمینه ایجاد اسناد حقوقی مناسب برای حفاظت و بهبود محیط زیست را فراهم می نمایند. (۳۸)

### حق بشر بر محیط زیست در اتحادیه اروپا

در باب ایده حقوق بشر بر محیط زیست در چارچوب اتحادیه اروپا هم می توان از حق بر محیط زیست و هم از جایگاه کلی حقوق بشر در نظام حقوقی بین المللی و اتحادیه اروپا مدد جست. با فرض نبود حق بر محیط زیست در اسناد حقوق بشری به عنوان حقی مستقل اولیه سوال این است که این حقوق چگونه می تواند پدیدار گردد؟ آیا می توان این حق را در چارچوب اتحادیه اروپا دقیق اعمال کرد یا باید در سایه اسناد حقوق بشری، حقوق بشر مربوط به حفاظت محیط زیست بدون اینکه برای حقوق حفاظت، حق مستقل قایل باشیم از حقوق محیط زیست بهره مند باشیم؟ (۳۹)

به دلیل ساختار اتحادیه اروپا، صلاحیت اتحادیه صرفاً در زمینه های حقوق بشر می تواند اعمال شود. از آنجا که دولت های عضو ایجاد تدابیر زیست محیطی را در سطح ملی شدیدتر از وجود این قواعد در سطح جامعه دارند بین مقررات قبلی و مقررات موجود در سطح اتحادیه چالشی به وجود می آید. تلاش برای ایجاد تعادل بین این دو گرایش وجود دارد. اکنون در سطح ملی مجموعه قوانین حقوقی پیچیده در خصوص آلودگی هوا، آب و مواد خطرناک، مواد زاید سمی، ایمنی هسته ای و مراقبت از طبیعت سرو کار داریم. در کنار این تدابیر، بخشی از مقررات

زیست محیطی مانند دستورالعمل ارزیابی پیامدهای زیست محیطی، دستورالعمل دسترسی آزاد به اطلاعات راجع به محیط زیست، آئین نامه تصویب و اجرای طرح‌ها برحسب سیاست‌های زیست محیطی اتحادیه و آئین حسابرسی زیست محیطی وجود دارند که در سطح فراملی در سطح کل اتحادیه اعمال می‌شوند. سوال اینجاست که کدام یک از این ترتیبات با حمایت از یک حق بشری بر محیط زیست مرتبط هستند؟ واضح است که مطابق رویه قضایی در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، محیط زیست در محدوده بررسی و نظارت حقوق بشر قرار می‌گیرد. لذا دیوان می‌تواند عملکرد دولت را اعم از اجرا و قانون وضع شده را ابطال کند. علاوه بر این در طول اجرای سیاست زیست محیطی اتحادیه می‌توان طرح شکایت از سوی دولت‌ها را از نقطه نظر حقوق بشری، انتظار داشت.

علی‌رغم تصویب معاهده ۱۹۹۷ آمستردام و ایجاد تغییر عمده در بحث محیط زیست، طرح پیشنهادی خاص از سوی کمیسیون و برخی دولت‌های عضو، هنوز حقی بنیادین برای حفاظت محیط زیست ایجاد نشده بلکه تنها برخی مقاصد و تدابیر سازمانی تغییر یافته است، به طوری که این تغییرات را نمی‌توان حق بر محیط زیست نامید. برای حل این موضوع سه راه را مطرح می‌کنند: ابتدا تغییر قانون اساسی اعضا، دوم تغییر در مقررات داخلی دولت‌ها و سوم امکان طرح دعاوی موفقیت‌آمیز. می‌توان امیدوار بود در آینده حق بر محیط زیست به عنوان حق بشری در چارچوب قوانین این اتحادیه ظهور یابد.

در نتیجه حاصل از بررسی موضوع می‌توان گفت، اولاً مستندی اجباری برای ایجاد یک حق جدید بشری بر محیط زیست در این اتحادیه موجود نیست. ثانیاً حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی موجود می‌تواند نگرانی زیست محیطی را در حوزه صلاحیت خود قرار دهد و ضرورت وجود حقی مستقل بر محیط زیست را منتفی نماید. رویه قضایی کنونی دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیسیون اروپایی حقوق بشر این امر را تأیید می‌کند. ثالثاً گستره اتحادیه اروپا در قانون‌گذاری بین دولت‌های عضو و مقررات موجود در اسناد بین‌المللی راجع به حق بر زندگی خصوصی، مالکیت و مشارکت سیاسی این امکان را به وجود می‌آورد که اصول بنیادین حقوق بشر در خصوص حفظ محیط زیست در رویه قضایی توسط دیوان دادگستری اروپایی ایجاد شود اما هنوز این امر واقع نشده بلکه اگر اختلافات مطرح بین دولت‌های عضو، به دیوان اروپایی ارجاع شود این امر محقق خواهد شد. مسئولیت این امر با فعالان محیط زیست و خود دیوان است که در آینده به این امر دست یازد. اگر اتحادیه اروپا در جهت تکوین سیاستی جدید برای



حفظ محیط زیست به عنوان حق بشری گام بردارد باید مؤثر بدون حفاظت از محیط زیست را با رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ و حق خودگردانی دولت‌های عضو بر جوامع‌شان راجع به اموری که در صلاحیت داخلی آنهاست را تعادل و توازن بخشد. وجود تعاضات را می‌توان با درایت به سمت رفاه بشر و تأمین نیازهای وی تقلیل داد. پذیرش مفهوم اصل جهانی توسعه پایدار، به دلیل قابلیت سازگاری حفاظت از محیط زیست با رشد و توسعه اقتصادی و هرگونه تمایل معقول بشری را میسر می‌سازد.

### حق بر محیط زیست در حقوق داخلی

شناسایی این حق در نظام‌های حقوق داخلی و پذیرش آن توسط نهادهای تقنینی و اجرایی سبب شده که این دسته از دولت‌ها در مواضع بین‌المللی خود نسبت به مسائل و ملاحظات زیست‌محیطی، مقبولیت درون‌کشوری را چهره خارجی بخشیده و آن را به عرصه بین‌المللی وارد نمایند. همین رفتار باعث شده که بتواند این‌گونه عملکرد دولت‌ها را به عنوان تجلی برخی از عناصر تشکیل دهنده عرف بین‌المللی در زمینه پذیرش بین‌المللی حق بشر بر محیط زیست تلقی کرد.

از طرف دیگر، حقوق داخلی برخی مواقع نقش انتقال مواضع بین‌المللی در انعکاس موضوع پیوند حقوق بشر و محیط زیست را داشته است به‌ویژه پس از کنفرانس استکهلم و اجلاس‌های بین‌المللی زیست محیطی بعدی، و استقرار پایه‌های حقوق بشری محیط زیست در افکار عمومی جهانی، برخی از کشورهای معتقد به این پیوند و حق بر محیط زیست سالم حقوق داخلی را نیز پذیرای این حق نموده و مهم‌تر از همه اینکه دولت‌ها در بالاترین سطح نظام حقوقی خود یعنی در قوانین اساسی خود آن را مقرر نموده‌اند.

### جایگاه این حق در قوانین اساسی کشورها

حدود بیش از شصت و یک کشور صراحتاً یا به صورت تلویحی در قوانین اساسی خود به حق بر محیط زیست اشاره دارند. (۴۰) اصول مزبور اگرچه دارای عباراتی کم و بیش متفاوتی هستند اما استقرار آنها در متن قوانین عادی و تدابیر اجرایی ممکن است مسکوت، ناقص یا برعکس تکامل یافته باشد ولی نقطه مشترک همگی بر بهره‌مندی از محیط زیست سالم، بهداشتی و پاک به عنوان حقی اساسی برای بشر تلقی شده، حقی که دولت‌ها در پیدایش آن

نقش نداشته بلکه صرفاً آن را مورد شناسایی قرار داده‌اند. اگر تحول قوانین اساسی این کشورها را از نظر پیدایی و اصلاح مفاد آن مدنظر قرار دهیم تأثیرپذیری اغلب آنها از تحولات حقوق زیست محیطی بشر در عرصه بین‌المللی به‌ویژه کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم کاملاً آشکار است و به‌طور خلاصه باید گفت اغلب این قوانین اساسی پس از دهه ۱۹۷۰ بر بازنگری جهت استقرار اصل مزبور همت گمارده‌اند. (۴۱)

### حق بر محیط زیست در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اگرچه موضوع حفاظت محیط زیست به‌طور خاص در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده است اما در اصول دیگر قانون اساسی نیز ابعاد مختلفی از مسائل زیست محیطی منعکس می‌شود. چه در فصل سوم یعنی "حقوق ملت" و چه در فصل چهارم که به اقتصاد و امور مالی اختصاص دارد قانون اساسی به‌طور ضمنی ابعادی از محیط زیست را مدنظر قرار می‌دهد.

حقوقی چون حق حیات، (۴۲) حق بهداشت (۴۳)، منع اسراف و تبذیر در کلیه شئون اقتصادی (۴۴)، مدیریت انفال و ثروت‌های عمومی، (۴۵) از جمله مواردی است که به هر حال با محیط زیست پیوند دارد لکن توجه صریح و مستقیم به محیط زیست در اصل پنجاهم قانون، جایگاه حفاظت محیط زیست در جمهوری اسلامی ایران را پیش بینی می‌کند. در اصل می‌گوید: در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

این اصل، حاوی مسائل حقوقی بسیاری مهمی است که درایت پیشنهاددهندگان آن در قانون اساسی را نشان می‌دهد. پیش‌بینی اصل حفاظت برای محیط زیست پیوند غیر قابل تفکیک بین توسعه اقتصادی با محیط زیست، شناسایی تلویحی حق همگانی بر داشتن محیط زیستی سالم در عین حال تکلیف آنان به تلاش برای ایجاد و حفظ محیط مذکور، درک شخصیت حقوقی نسل‌های آینده و حق آنان در زمینه تولد در محیطی سالم و مناسب برای حیات پایدار، لزوم رعایت انصاف بین‌نسلی، توسط نسل حاضر و نسبت به نسل‌های آتی و پیش‌بینی اصل توسعه پایدار از مهم‌ترین دستاوردهای حقوقی این اصل است که در مقام مقایسه با قوانین

اساسی دیگر کشورها در ردیف ممتاز قرار دارد.

اعلام حقوق نسل‌های آینده مندرج در اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یادآور موضوع اصل اول اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم است که مسئولیت انسان را برای حفاظت محیط زیست نسل‌های حاضر و آینده یادآوری می‌شود و در ادامه اصل ۵۰ قانون اساسی مذکور بر ضرورت انتقال محیط زیست سالم به نسل‌های آینده که باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، تأکید می‌ورزد. و ایران از جمله از اولین کشوری است که این حقوق را در متن قانون اساسی خود یادآور می‌شود. حال آیا برای نسل‌های آینده تا چه حد می‌توان به حمایت حقوقی و عملی دست یازید؟ یا اینکه جایگاه حقوقی نسل‌های آینده کدام است؟ آیا نظام حقوقی کشور زمینه حمایت از حقوق نسل‌های آتی را چه در بعد ماهوی یا شکلی فراهم کرده است یا خیر؟ از جمله سؤالاتی است که می‌توان مطرح نمود.

اگرچه اغلب اسناد حقوقی بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده اشاره دارند اما در ارائه تعریفی قابل قبول برای این حقوق می‌توان گفت "حقی است که به موجب آن منافع یک نسل از لحاظ پیشرفت منابع طبیعی و میراث فرهنگی از نسل قبلی به ارث رسیده باشد و به نسل آینده انتقال یابد". این حداقل تعریف قابل قبول است که بر مبنای این حق، حفاظت از منابع طبیعی تجدیدپذیر و همچنین حمایت از اکوسیستم و فرایند تقویت‌کننده حیات و همچنین حمایت از دانش بشر و فرهنگ و هنر به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود و مستلزم اجتناب از فعالیت‌های زیان‌رسان و آثار غیرقابل جبران آن بر طبیعت و میراث فرهنگی است. (۴۶) شناسایی مکرر حقوق نسل‌های آینده گام مهمی است بسوی سازگاری توسعه و محیط زیست. آنچه باقی می‌ماند اظهارنظر دقیق در باب سه نکته است: اولاً مفهوم واقعی یک نسل روشن نیست. ثانیاً محتوای حقوق نسل‌های آینده چیست و ثالثاً اجرای حقوق نسل‌های آینده چگونه باید صورت گیرد.

در علم حقوق و براساس یک نتیجه منطقی نمی‌توان به مفهوم یک نسل دست یافت. لذا گاهی صحبت از فقدان این نسل می‌گردد. اما بشر آینده همچنان به عنوان یک دارنده حق شناسایی شده که اعم از افراد کنونی و آیندگان می‌باشند.

محتوای آینده قابل تعریف نیست به عنوان راهنما آنچه که نزدیک‌تر به ذهن متبادر می‌شود نتیجه حاصل از این حق، تضمین حقوق و امتیازات جاری ما برای انتقال این حقوق به نسل‌های آینده مطرح می‌شود هر چند که مفهوم قابل دسترس، آن‌چنان رضایت ما را جلب نمی‌کند چرا که

نمی‌توان آن را حقیقتی به حساب آورد که به‌طور طبیعی در قرن‌های آینده باید قبول شود. چگونه می‌توان همین مقدار فضا، صحرا و بیابان، آب سالم و انواع گونه‌های زیستی را برای نسل‌های آینده تضمین کرد و یا چگونه می‌توان برای نسل آینده قایل به اولویت شد. مثلاً اولویت را به نسل پنجاه، صد یا چند صد سال بعد داد.

نگرشی واقعی نسبت به محتوای این حق را اغلب می‌توان بر پایه میزان پیوستگی آینده بشریت با اصل توسعه پایدار پی ریزی کرد که شامل نیل به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. تحقق چنین حقی منوط به در دسترس بودن منابع طبیعی و تضمین حفاظت از آن در یک دوره زمانی نامحدود است. آنچه در مفهوم کلی منابع قرار می‌گیرد نه تنها شامل منابع اصلی مثل آب و هوا و بهره‌برداری پایدار از منابعی غیرقابل تجدید مثل نفت و گاز، کانی‌ها است که وجود آنها برای بقای بشر آینده ضروری می‌باشد، بلکه تقویت فرایند حیات، اکوسیستم‌ها و انواع گونه‌های زیستی را نیز در بر می‌گیرد. بهره‌مندی از حقوق فرهنگی را می‌توان شامل حراست از عناصر اساسی تمدن ما همچون گیاهان، جانوران وحشی، مناظر و چشم‌اندازها و آثار طبیعی ملی دانست که این مقولات در طیف وسیع تفسیر حقوق بشر قرار می‌گیرند و ضروری است که از منظر منافع آینده بشریت حمایت گردند.

در اینجا سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که اجرای حقوق نسل‌های آینده چگونه باید صورت گیرد؟ برای اجرای آن ممکن است برخی از مقررات در حقوق داخلی تأسیس شده باشد. اعمال اصل حفاظت و ممنوعیت آلودگی و تخریب محیط زیست و پیش‌بینی اصل توسعه پایدار در برنامه ریزی که درآمدهای حاصل از بخشی از منابع طبیعی با تصویب مجلس قانون‌گذاری در چارچوب قانون بودجه امکان انتقال ثروت و اموال به آیندگان فراهم می‌شود. ضمن اینکه مؤسسات اجرایی منابع طبیعی و حفاظت محیط زیست اغلب موارد در اجرای قانون و ایفای وظیفه مسئولیت دارند تا در جهت حمایت از این حق برای نسل‌های آینده مراقبت نمایند.

البته اصل پنجاه موضوع حفاظت را تنها وظیفه مؤسسات دولتی نمی‌داند بلکه بر همگان تکلیف می‌کند که حفاظت از محیط زیست معنای نبودن، "حق همگان بر محیط زیست" نیست بلکه از نظر فلسفه حقوق در برابر هر حقی، تکلیفی قابل وضع است. اگر عموم یعنی همه اعضای حقیقی و حقوقی (اعم از خصوصی و عمومی) تشکیل‌دهنده جامعه ایرانی مکلف به حفظ محیط زیست هستند علت وجود این تکلیف به مناسبت وجود حقی است که حق داشتن محیط

زیست سالم در همان زمان است که در راستا و داخل آن، حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند. از این رو کلیه آنان نسبت به همدیگر در آن واحد متعهد و متعهد له هستند. مردم موظفند با رعایت تدابیر زیست محیطی حفاظت از محیط زیست در کنار حکومت او را در انجام تکالیف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خویش مطابق تکالیف مقرر در قانون اساسی یاری نمایند و در عین حال، دولت نیز مکلف است در تدابیر و اقدامات مختلف قانونی، حفاظت محیط زیست را به عنوان ضابطه‌ای کلی، عام و مقدم به حساب آورد و برنامه‌های خود را با آن مطابقت و سازگار نماید. عدم مراعات این وظیفه از سوی دولت، سبب تخریب و آلودگی محیط زیست می‌شود که در نتیجه اولاً حق داشتن محیط زیستی سالم به عنوان یکی از اصول حقوق اساسی و عمومی، نقض می‌شود. ثانیاً چون تمتع و استیفای واقعی و کامل سایر حقوق اساسی انسان مستلزم وجود محیطی سالم و مناسب است آلودگی و تخریب محیط زیست سبب مخدوش شدن حقوق مذکور می‌گردد. در واقع جرایم زیست محیطی، تخلفات و جرایم حقوق بشری را موجب می‌شود.

جمله دوم اصل پنجاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کم و بیش گویای وجود اصل مهم توسعه پایدار است که به عنوان اصل کلی حقوقی در حقوق محیط زیست بین الملل است. این اصل حاصل جمع مقتضیات رشد و پیشرفت اقتصادی با ضروریات زیست محیطی است. در واقع اگر فرایند توسعه به گونه‌ای از نظر موضوع توسعه، گستره توسعه، ابزارها و وسایل و منابع معروف توسعه، موجب اختلال در روند و جریان طبیعی زیست بوم نگردد، این توسعه را توسعه پایدار می‌نامند. اما واقعیت این است که انسان و ماهیت عملکرد و اقدامات وی به گونه‌ای است که در روند حیات و چرخه عادی طبیعت به طور غیر قابل اجتناب اختلال ایجاد می‌کند. از این رو، تحقق توسعه پایدار به ویژه در بخش‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی که تلاش فرایند صنعتی شدن به عنوان مقابله با عقب ماندگی را مهم‌ترین هدف و سیاست توسعه می‌دانند بسیار دشوار است. در جمله دوم اصل پنجاهم می‌گویند: از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کنند ممنوع است. "خطاب حکم مذکور عموم افراد از یک سو و دولت از سوی دیگر است. در واقع از آنجا که حفظ محیط زیست، وظیفه همگانی است پس اقدامات آنان نباید موجب آلودگی و یا تخریب محیط زیست گردد. در غیر این صورت عمل آنان مذموم است. البته اعلام ممنوعیت ایجاد آلودگی و تخریب غیر قابل جبران محیط زیست به معنای جرم بودن آن نیست بلکه به موجب اصل ۳۶ قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون باید اعمالی را که جرم و قابل مجازات است، تعیین کند. پس مجلس ملزم است در قوانین راجع به محیط زیست، آلودگی و تخریب محیط را جرم اعلام و برای آن مجازات تعیین نماید.

نکته دیگر در باب قسمت دوم این اصل این است که مطلق تخریب محیط ممنوع نشده است بلکه «تخریب غیر قابل جبران» محیط زیست مورد تأکید قانون اساسی است یعنی آن دسته از اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با تخریب غیرقابل جبران محیط زیست «ملازمه» پیدا کند ممنوع است.

اقدامات ممنوع از نظر این اصل را صرفاً وقتی می‌توان تصور کرد که در عقیده عمومی مصادیقی کاملاً شناخته شده و قطعی از اقدامات زیانبار زیست محیطی وجود داشته باشد.<sup>۱</sup> در اینجا قید عبارت «تخریب غیرقابل جبران» مندرج در اصل ۵۰ قانون اساسی مفهوم توسعه پایدار متزلزل می‌کند و می‌تواند اولویت توسعه را بر حفظ محیط زیست باعث شود. در حالیکه پیشرفت نسل‌های حاضر و حتی آتی هرگز دلیلی منطقی بر غیرعادی کردن محیط زندگی و بستر حیات نسل‌های مذکور نیست. در حقیقت نسل حاضر نمی‌تواند با ادعای آنکه قصد پیشرفت فزاینده و حصول امکانات بیشتر رفاهی برای نسل حاضر و حتی نسل آتی را دارد محیط زندگی نسل حاضر و آتی را از کیفیتی که لازمه یک زندگی متعادل و پایدار است، خارج کند ضمن آنکه این‌گونه اقدامات، سوءاستفاده از امانتی است که نسل‌های گذشته به نسل حاضر سپرده‌اند تا آنها را صحیح و سالم به نسل‌های فردا تحویل نمایند.

### سازمان حفاظت محیط زیست و حمایت از حق محیط زیست مردم

سازمان حفاظت محیط زیست، حق شهروندان بر محیط زیست سالم را در سوابق عملکرد خود پذیرفته و بخش اعظم فعالیت‌های خویش را در جهت تلاش برای تحقق این حقوق مصروف می‌دارد.

در حقوق بین‌الملل محیط زیست موارد حق بر محیط زیست به عنوان حقوق شهروندان

۱- حتی ممکن است ایجاد زبان‌های زیست محیطی اتفاقی، از شمول ممنوعیت مذکور خارج باشد، در حالی که خسارات زیست محیطی خواه به صورت عمد یا غیرعمد به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ مستوجب جبران خسارت است.

مورد شناسایی قرار گرفته است و لذا در اسناد از اصطلاح عام محیط زیست استفاده نمی‌کند بلکه به دلیل عدم تعریف دقیق محیط زیست در نظام‌های حقوقی از اوصافی مانند سالم، پاک، بهداشتی، آباد، مناسب، مطلوب و نظایر آن استفاده می‌کند تا ابهام مربوط را از وجود حق بر محیط زیست بزداید.

در اصل ۵۰ قانون اساسی، حق بر محیط زیست سالم به صراحت ذکر نشده است بلکه در اسناد و گزارش‌های این سازمان از حق محیط زیست یاد می‌شود مثلاً در گزارشی که دفتر حقوقی سازمان محیط زیست برای کمیسیون حقوق بشر اسلامی در ایران ارسال کرده آمده است: "منظور از حقوق محیط زیست مردم یعنی حفاظت مردم و محیط زندگی آنها در برابر عوامل و اقداماتی که شرایط زیستی و یا سلامت جسمی یا روحی آنها را به خطر می‌اندازد...". این نگرش از حق محیط زیست یا حقوق محیط زیست در تعریف دفتر حقوقی سازمان گویای حقیقتی است که همان حق بر محیط زیست سالم، بهداشتی و پاکیزه است. با این تعریف به نظر می‌رسد حوزه مسئولیت سازمان در پرتو حقوق محیط زیست به سمت فعالیت‌های بهداشتی و پزشکی کشانده می‌شود که در تقسیم کار این‌گونه فعالیت‌ها در صلاحیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. از طرف دیگر حق بر محیط زیست سالم و بهداشتی که در اعلامیه‌های استکهلم و ریو آمده تجلی ورود حق بر محیط زیست به حقوق بشر و یافتن ماهیت، وصف و چارچوب حقوق بشری است. در پرتو همین اختلاط می‌توان از حقوق زیست‌محیطی بشر یاد کرد.

### گستره نظری و عملی حفاظت از محیط زیست در ایران

در ادبیات حقوقی محیط زیست، واژه‌ها و اصطلاحات متعددی بر "حفاظت" محیط زیست دلالت دارند مانند حفاظت، صیانت، مراقبت، حفظ و بهبود، مدیریت که در کنار حفاظت دارای مفاهیم متفاوت می‌باشند. ولی آنچه که از واژه "حفظ" محیط زیست می‌توان گفت مراقبت از وضع موجود و جلوگیری از بدتر شدن کیفیت محیط است.

جامع‌ترین واژه و مفهوم در خصوص اصطلاح Conservation است که هم مراقبت از وضع موجود محیط زیست و هم بهبود و ارتقای کیفیت آن تا حد مطلوب را در بر دارد که در حقوق بین‌المللی محیط زیست از آن یاد می‌شود. (۴۷) که همین معنی را ما در ماده ۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ۱۳۵۳ ایران داریم که گستره مفهومی و نظری واژه حفاظت، صرفاً مراقبت

از وضع موجود آن نیست بلکه همان طور که از عنوان قانون مزبور به خوبی بر می آید، بهسازی یا بهبود محیط زیست نیز داخل در آن حوزه است و تأمین آن رسالت اصلی سازمان حفاظت محیط زیست و وظیفه همگان است.

### حمایت قضایی سازمان از حقوق محیط زیست نسل‌های حال و آتی

نقش دیگر سازمان حفاظت محیط زیست برای حفظ حقوق محیط زیست مردم، اقدام مستقیم علیه متخلفین و کسانی که با ایجاد آلودگی یا تخریب محیط زیست، حقوق مردم و نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازند می‌باشد. از طریق طرح دعوی علیه متخلفین سازمان قضایی، ضمن حمایت از حقوق زیست محیطی شهروندان، پاسدار رسالتی است که نسل امروز امانت‌دار محیط زندگی مناسب نسل‌های آینده می‌باشد.

با این حال نقش سازمان از حیث قضایی از حقوق زیست محیطی شهروندان در عمل عمدتاً محدود به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی بوده و سازمان از ابزارهای مؤثر نظارت بر اجرای ضوابط زیست محیطی در نهادها و تشکیلات دولتی برخوردار نمی‌باشد.

به عنوان مثال، وسایل نقلیه آلاینده دستگاه‌های دولتی، یکی از عوامل اساسی ایجاد و افزایش آلودگی هوای تهران و به حد بحرانی رساندن کیفیت هوا و حتی آلودگی صوتی هستند. با وجود این نقیصه سازمان تاکنون موفق نشده در اعمال سیاست‌های خویش در برخورد با موانع دولتی و وظیفه و مسئولیت حفظ محیط زیست را دقیقاً تعقیب کند. عدم ارتقای سطح فرهنگ زیست محیطی در کشور سبب شده است که حفظ محیط زیست نه تنها برای عموم جنبه تشریفاتی جلوه کند بلکه شاید برخی حقوقدانان و قضات محاکم نیز چندان نسبت به حمایت قضایی از حقوق محیط زیست شهروندان اقدامی به عمل نیاورند. زیرا اساساً، تخلف از حقوق زیست محیطی شهروندان، به خودی خود مبنایی برای طرح دعوی در محاکم قضایی تلقی نمی‌شود حداقل اینکه خسارات زیست محیطی نمی‌تواند به عنوان "تخلف از حقوق محیط زیست" تعقیب گردد، بلکه باید در پرتو عناوین مربوط به مسئولیت مدنی اقامه و مطالبه گردد. با این حال اخیراً تحولات گسترده‌ای در سطوح علمی و دانشگاهی و حتی در دستگاه‌های حکومتی (تقنینی، قضایی و اجرایی) صورت گرفته و جایگاه مسأله حفاظت از محیط زیست در بخش‌های مختلف قضایی و تقنینی و اجرایی کشور در حال استقرار و ارتقا می‌باشد که امید است به بهبود جایگاه حق شهروندان بر داشتن محیط زیستی سالم، پاک، بهداشتی و مطلوب بیانجامد.



## نتیجه‌گیری

مقابله با آثار زیانبار بر محیط زیست در جهان فعلی، مستلزم به کارگیری ابزارهای جدیدی است. پیوستگی حقوق بشر و محیط زیست در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست سنتی، رشته حقوق محیط زیست را برای حفاظت محیط زیست کشورها به ارمغان می‌آورد. احصای مصادیق حقوق اساسی و بنیادین بشری در نگرش به محیط زیست داخلی و ضرورت حفاظت از آنها، ترتیبات و نظام‌های حقوق بشر منطقه‌ای و جهانی را به تضمین اجرای این حق رهنمون می‌سازد.

یکی از دغدغه‌های طرفداران محیط زیست در حمایت و دفاع بین‌المللی از محیط زیست، فقدان یک ساختار حقوقی سازمان‌یافته است که بشود در آن به نفع قربانیان تخریب محیط زیست دعوی اقامه کرد. قانون‌گذاری محیط زیست در سطح بین‌المللی امر جدیدی است که از کنفرانس ریو ۱۹۹۲ آهنگ آن آغاز گردید ولی کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ موضوع قانون‌گذاری این رشته را در حقوق داخلی فراهم کرد. و در حاشیه اعمال دیگر حقوقی و عرف محلی به اجرا در می‌آید. وکلا و قضات و عالمان و کارشناسان حقوق نسبت به قوانین وضع شده محیط زیست با کم‌توجهی برخورد می‌کنند.

از طرف دیگر، حقوق بین‌الملل محیط زیست، در شناسایی افراد به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل موفق نبوده است و بدین ترتیب آنان را که قربانیان اصلی سوءاستفاده‌های زیست‌محیطی هستند در سطح بین‌المللی بی‌دفاع رها می‌کند.

در عرصه حقوق بین‌الملل بشر، روند رو به رشد آن، به‌ویژه در دهه گذشته، با ایجاد نهادهای محلی، ملی و بین‌المللی، تحول اساسی یافته است. به‌طوری که اکنون نظام‌های متعدد بین‌المللی در مناطق آمریکا، اروپا، آفریقا و کشورهای اسلامی به حقوق بشر می‌پردازند و از میان آنها برخی مثل نظام کشورهای آمریکایی و اروپایی با تأسیس و ترتیبات سازمانی، گام مثبتی را به سوی دفاع از حقوق بشر برداشته‌اند و در تلاش برای حمایت و بهبود احترام به حقوق بشر در عرصه ملی و بین‌المللی، تا حدودی موفق بوده‌اند. قانون‌گذاری حقوق بشری از طریق معاهدات، اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و رویه‌های قضایی بین‌المللی، در عرصه‌های ملی وارد شده است. یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های نظام بین‌المللی حقوق بشر، امکان دسترسی مستقیم قربانیان به نهادهای بین‌المللی حقوق بشر است. لذا در این رشته، افراد به عنوان تابعان، از نظر حقوقی می‌توانند نسبت به سوءاستفاده دولت‌ها از حقوق بشر، شکایت و طرح دعوی نمایند.

اما دفاع از حقوق بشر در عرصه محیط زیست، هنوز آهنگ آغازین دارد. اقامه دعاوی بین‌المللی افراد علیه کشور گاهی به مشکلات زیست‌محیطی مربوط می‌گردد. نظام بین‌المللی حقوق بشر، مکانی منحصر به فرد است که افراد برای دفاع از حقوق خویش از جمله نقض حق بر محیط زیست خویش، طرح دعوی نمایند.

اگرچه بیشتر دعاوی در سطح کمیسیون حقوق بشر آمریکایی و اروپایی مطرح شده‌اند در این نظام‌ها، سازوکارهای متعدد اعمال فشار برای ترغیب دولت‌ها در جهت بهبود محیط زیست سالم و اصل توسعه پایدار تعبیه شده است. عرصه‌های شناخته شده‌ای هستند که کشورهای این مناطق و جامعه مدنی آنان، وادار به رعایت حقوق بشر در کل و حقوق محیط زیست به‌طور خاص می‌شوند و در عین حال، الگوی مشارکت منطقه‌ای را در تحقق حقوق مذکور ارائه می‌کنند که توجه به محتوای آنها برای ترسیم راهکارهای مناسبی جهت آسیا و حتی کشورهای اسلامی مفید خواهند بود.

علی‌رغم تمایز این دو رشته حقوق، در بخش‌های بنیادین حوزه‌ای مشترک دارند. اگرچه از نظر تاریخی حقوق محیط زیست بر حقوق بشر پیشی دارد و لیکن پیشرفت رشته حقوق بشر بیشتر بوده است. دلیل رشد آن را باید در وجود "بشر" به عنوان تابعان حقوق بشر دانست که به موجب آن حق دارد در قبال دفاع از حقوق از دست رفته خود به مراجع بین‌المللی مراجعه کند و علیه دولت متخلف اقامه دعوی کند و این در تاریخ حقوق بین‌الملل بی‌سابقه است و اصولاً هیچ رشته از حقوق بین‌الملل آنقدر پیشرفت نیافته که دولت‌ها را به خاطر اتباعشان به محاکم بکشاند. افراد با تکیه به همین دستاورد حقوق بشری می‌توانند زبان‌های زیست‌محیطی وارده را به عنوان نقض حقوق بشر (حق بر محیط زیست سالم، حق بر بهداشت، حق حیات و...) اقامه نمایند. در حالی که در چارچوب حقوق محیط زیست، از چنین ابزار و شخصیتی برای طرح دعاوی بین‌المللی برخوردار نیستند.

با گسترش مفهوم حمایت از حقوق بشر، حق بر محیط زیست سالم را می‌توان از طریق آن تفسیر کرد. امروزه بیش از گذشته جامعه به رابطه حیات بشر با محیط زیست آگاهی یافته است و آلودگی و تخریب محیط زیست می‌تواند حیات انسان را با خطر جدی روبه‌رو سازد. وابستگی انسان به کیفیت محیط زیست‌اش امری بدیهی است لذا محیط زیست از ابعاد حقوق بشر تلقی می‌شود به تعبیر انجمن بین‌المللی حقوق زمین بدون محیط زیست قابل سکونت، کلیه حقوق دیگر غیر قابل حصول و یا بی‌معنی خواهد شد. در همین رابطه، به‌خوبی می‌توان بین تخریب

محیط زیست و آثار تهدیدکننده حق اولیه و اساسی بشر بر حیات رابطه برقرار کرد. برای مثال حق بهداشت در اثر زیان ناشی از آلودگی به آب، هوا و صدا مطرح می‌شود. حق مالکیت خصوصی افراد تحت تأثیر آلودگی‌های محیط زیست، آن‌چنان مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد، حق برابر بشدت تحت تأثیر نابرابر ناشی از آلودگی محیط زیست بین بخش‌های معین در معرض آلودگی جامعه صدمه می‌بیند. با تخلیه مواد سمی در دریا، بخش‌های عمده‌ای از افراد جامعه قادر به دفاع از حق فرد به سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی شهری و روستایی، سیاست‌گذاری تجاری که آثار آنها مستقیم یا غیر مستقیم موطن افراد را مؤثر می‌سازد به نقض این حق می‌انجامد. باید توجه داشت هر خطری که بر محیط زیست وارد می‌شود، مستقیماً وضعیت بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تخلف از محیط زیست تخلف از حقوق بشر است.

هر گروه از مدافعان محیط زیست یا حقوق بشر، منابع و راهبردهایی را برای دفاع از موضوعات تعریف شده و اولویت یافته خود اختصاص می‌دهند. مدافعان حقوق بشر برای مقابله با سوء جریانات بر نهادهای بین‌المللی متوسل شده و بدین وسیله کشورها را به پای‌بندی به معاهدات و اعلامیه‌ها وادار می‌سازند. در حالی که، طرفداران محیط زیست بیشتر با مبارزه علنی و به‌کارگیری افکار عمومی، حفاظت از محیط زیست را گسترش داده و از طریق حقوق ملی و مقررات داخلی، پای‌بندی به قواعد پذیرفته شده برای حفظ محیط زیست را الزامی می‌سازند. در این خصوص "صلح سبز"<sup>۱</sup> پرچم مبارزه را در سراسر جهان برای تعمیق اندیشه حفاظت و بهبود محیط زیست در دست دارد. تعدادی از طرفداران نیز تلاش دارند بر مبنای ماهیت مکمل و هم‌پوشانی طبیعی حقوق بشر با مسائل محیط زیست، از منابع یک سلسله از مدافعان برای دفاع بخش دیگر استفاده نمایند.

در هر حال جامعه بشری امروز به‌خوبی واقف است که حق بر محیط زیستی سالم و پایدار در حقوق بشر موجودیت یافته است. این امر در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای حقوق بشر به صراحت پیش‌بینی شده است که امید اعمال صریح آن را داریم. باید تلاش کرد تا با گسترش همکاری‌های بین‌المللی و گذر از همکاری به همبستگی بین‌المللی، راه حلی جهانشمول برای محیط زیست را هموار ساخت و از این رهگذر، ضمن تضمین محیط زیستی مناسب و سالم برای فعالیت‌های انسانی و سعادت بشری، زمینه استیفای واقعی حقوق بشر را فراهم کرد.

نهایتاً با تحلیل دیدگاه‌های سه‌گانه سیاست حقوق بشر راهبردهای متفاوتی به میدان می‌آید که در طیف حق بر محیط زیست هر یک می‌تواند دیدگاه‌های متفاوتی را به ظهور برساند. نخستین نگرش، دیدگاه تفکیک‌ناپذیری است. که بر مبنای آن، حقوق بشر بخشی از سیاست به حداکثر رساندن رفاه بشر و تأمین منافع مهم وی می‌باشد. در این نگرش تلاش می‌شود تار فاه بشری را از طریق حقوق تا آنجا که مقدور است، بهبود بخشند. بنابراین همیشه گسترش حقوق به حوزه‌های وسیع‌تر پیشنهاد می‌شود.

نگرش دوم، دیدگاه کثرت‌گراست که به موجب آن حفاظت از محیط زیست را نباید به میزان حداکثر مطرح کرد. بلکه این دیدگاه حقوق بشر در پی آن است که حمایت از شماری محدود از ارزش‌ها با منافع مهم را تأمین و تضمین کند. در نتیجه قلمرو حقوق بشر را تنها به نفع تعداد معدودی از مسائل مهم، محدود می‌کند در واقع مهم‌ترین مسائل را دنبال می‌کند و از بقیه چشم می‌پوشد.

نگرش سوم، دیدگاه عدم شمول است، این رویکرد همسو با نگرش کثرت‌گرا بر وضع حداقل استانداردها تأکید می‌ورزد منتها تصویب آنها در حوزه صلاحیت یک دولت و در قلمرو حقوق داخلی است. دیدگاه عدم شمول با نگاهی منفی به حقوق بشر آن را به عنوان محذوراتی قضایی تحمیلی بر دولت تلقی می‌کند و حفاظت از محیط زیست را تکلیفی می‌داند که در حوزه حقوق داخلی، نهادها و مقامات رسمی باید به انجام برخی اقدامات مثبت دست یازند. هر سه اختلاف نگرش در خصوص محیط زیست به‌ویژه این بخش که در مجموعه حقوق بشری قرار می‌گیرد و به خصوص آن حقوقی که از نسل جدید هستند به‌طور عمده نمایان است و مستلزم اقدامات سه‌گانه از سوی دولت است.

به هر صورت، تردیدی نیست که بهره‌مندی از محیط زیست سالم، حق مسلم بشریت است، حقی که مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و به نسل‌های موجود محدود نمی‌شود. حقی که خواه از لابه‌لای حقوق بنیادین بشری و خواه به عنوان یک حق بنیادین مستقل و جدید، اتخاذ برخی اقدامات از سوی دولت را جهت تأمین استیفای کامل آن ضروری می‌نماید. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران هم در نظر و هم در عمل مبتنی است بر پذیرش تلویحی حق بشر به محیط زیستی سالم ولی برای آنکه این شناسایی و ابتنا، از فواید عملی کامل برخوردار گردد، نهادهای مختلف حکومتی اعم از تقنینی، اجرایی و قضایی باید با تکیه بر وفاق عقلانی، شرعی و ملی، در ارتقای وضعیت موجود همت گمارند.

حق مذکور در سطح بین‌المللی، تنها به عنوان جزئی از حقوق اساسی نسل اول و دوم بشری، هنوز حالت جهانشمولی نیافته است و علی‌رغم اینکه حق مستقل بشریت در زمینه بهره‌مندی از محیط زیست سالم در اسناد حقوقی بشری سه منطقه جغرافیایی امریکا، اروپا و آفریقا وارد شده است ولی هنوز حقوق بین‌الملل قراردادی بشر گستره عام و همگانی نیافته است از این رو آثار آن صرفاً شامل دولت‌های متعاقد خواهد بود.

رویه دولت‌ها نیز آن‌چنان سازمان‌یافته و متجانس نیست که بتواند اعتقاد راسخ حقوق آنان را بر تکوین قاعده عرفی بین‌المللی منعکس کند اما تحولاتی که در این خصوص به ویژه در نهادهای حقوق بشری ملل متحد و حتی در مجامع عمومی آنها صورت می‌گیرد، انتظار تکوین این عرف در آتیه ناممکن نخواهد بود.

#### یادداشت‌ها:

1- See Freestone, D, *The road from Rio: International Environment Law and Earth Summit* (uni. of hull press), 1993

۲- یکی از این تدابیر برای اجرای مؤثر حقوق محیط زیست، "حسابرسی Green Accounting است که گاه از آن به تمیزی Environmental Audit سبز" یاد می‌شود که اصولاً در دو هدف زیست‌محیطی کاربرد دارد. الف، سازوکاری در هدف کنترل قانونی رشد جمعیت و ارزیابی تأثیر این افزایش بر بخش‌های مختلف محیط زیست. ب، ابزاری مهم برای فعالیت‌های بازرگانی و انواع داد و ستدهای کالاها و خدمات که در این رابطه، مسأله مسئولیت عدم پای‌بندی به تدابیر زیست‌محیطی می‌تواند به عنوان عاملی حیاتی در مذاکرات مربوط به عقد قراردادهای بازرگانی تلقی شود.

۳- فلسفی، هدایت الله، «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶-۱۷، سال ۷۵-۱۳۷۴، ص ۹۵.

۴- آقایی، بهمن، فرهنگ حقوق بشر، تهران، گنج دانش، سال ۱۳۷۶، ص ۳.

5- see Hirschl, R., "Negative Rights vs. Positive Entitlements: A Comparative Study of Judicial Interpretation of Rights in an Emerging Neoliberal Economic Order", *Human Rights quarterly*, Vol. 22-20, pp. 1071-1072.

۶- به رغم عدم تدوین معاهده جهانی حقوق بشری متضمن حق بر محیط زیست، منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام (۱۹۸۱) و پروتکل سان سالوادور الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مربوط به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی (۱۹۹۹)، این حق متعلق به نسل سوم را در کنار حقوق نسل‌های اول و دوم قرار داده‌اند.

7- Seighart, p, *The lawful rights of mankind: An introduction to the international legal*

- to code of Human Rights, Oxford 1985, p.80.
- 8- Crawford. J, *The Rights of Peoples: Some Conclusions*, Oxford, 1988, pp.159,172.
- 9- Schwartz.M.L, *International Legal Protection for Victims of Environmental Abuse*, 18, *Yale Journal of International Law* 1993, p.374.
- ۱۰- رجوع شود به حقوق محیط زیست ۲، ترجمه محمد حسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۱، صفحات
- 11- Shelton. D, "Human Rights, Environmental Rights, and Right to Environment", *Stanford Journal of International Law*, 1991, p.100.
- 12- Birine and Boyle, *International Law and the Environment Oxford*, 1992. p.194.
- 13- Birine and Boyle, *Ibid.*, 194.
- 14- Rolston. H, "Rights and Responsibilities on the Home planet", 18, *Yale Journal of International Law*, 1993, pp. 25, 259-262.
- 15- Nichel. J.W, "The Human Rights to Safe Environment: Philosophical Perspective in its Scope and Justification", 1993, 18, *Yale Journal of International Law* 282.
- 16- *Ibid*, 283.
- 17- Giagnocavo., and Goldstein.H, "Law Reform or World Reform", 35, *Mc Gill Law Journal* 1990, p.346.
- 18- Stone. C, *Earth and other Ethics: the Case or Moral Pluralism*, New York 1987 and should trees have standing? Marking the 25th Anniversary, Los Angles 1997, p.495.
- 19- Bossleman. R, *introduction to C.stone, umwelt vor gericht* (German trans. of should trees have standing?) 2nd ed München 1993.
- 20- Rogan. T, "Does Environmental Ethics Rest on a Mistake?", *Monist*, 75 (1992), pp.161-182.
- 21- the individualism approach of Rawls' Liberalism is, of course, a different mater; for a general Critique See K. Bosslemann, taking nature Seriously: Building Blocks for Theory of Environmental Justice, in: K.Bosslemann and B.Richarson (eds), *Environmental Justice and Market Mechanisms*, foirthcoming Kluwer, 1998.
- 22- René Cassin, "Introduction: the International Law of Human Rights", 144 *Recueil des course*, 1974 N.IV.
- ۲۳- کانکادو ترینداد، قاضی دیوان آمریکایی حقوق بشر می‌گوید: "حق حیات در مفهوم جدید و متناسب با

آن نه تنها بشر را در برابر سلب خودسرانه حیات، مورد حمایت قرار می دهد، بلکه براساس آن دولت ها مکلفند سیاستی را دنبال کنند که دسترسی کلیه افراد و ملت ها به روش های بقا را تضمین کنند. " داشتن محیط زیست سالم یا بهداشت، تغذیه و آب، از جمله روش ها و ابزارهای مذکور هستند. رک به:

Trinidad , C., and A. Antonio "the Parallel Evolution of International Human Rights protections and of Environmental Protection and the Absence of Restrictions on the Exercise of recognized human Rights" IIDH (Vol. 13, 1991), p.51.

24- see legality of the threat or use of Nuclear Weapons, ICJ Advisory opinion, July 1996 *ICJ Rep*, 1996, p. 533 Para. 25.

25- A/Res/45/97, (14 Dec.1990).

26- A/Res/39/11, (12 Nov. 1984).

۲۷- این موضوع در بند ۴ مقدمه اعلامیه ۱۹۷۲ است که قابل ملاحظه است.

۲۸- رجوع شود به بخش اول کتاب حقوق محیط زیست، نوشته الکساندر کیس، ترجمه محمد حسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۹.

29- UNGA Res 37/7. UN Doc.A/37/51. 1982.

۳۰- رجوع کنید به بخش اول کتاب حقوق محیط زیست، نوشته الکساندر کیس، ترجمه محمد حسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

۳۱- شرح کامل این گزارش در صفحه ۱۶۰ طرح تحقیقاتی "بررسی جایگاه محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت" آمده است.

۳۲- امیر ارجمند، اردشیر، "حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی"، مجله تحقیقات حقوقی (شماره ۱۵، پائیز ۱۳۷۳ و تابستان ۷۴، ص ۳۴۷).

33- A/Res/39/229, (18Dec.1984).

34- A/Res/45/210, (21 Dec.1990).

35- Apirana a mahuika et al.V. New Zealand, CCPR/ C/70/D/547/1993. Cited in: Shelton, D., Human Rights and the Environment 200 Recieved by Email.

۳۶- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: حسین مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، سال ۱۳۷۷، صص ۲۲۸-۲۱۱.

37- Ag/Res 1819 (XXX1-0.01, 5 June 2001), original: Spanish.

38- see Teillant, J.D., : Environmental Advocacy and the Inter-American Human Rights System (Cedha feb.2001)

۳۹- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله :

Eleftheriadis, Pavlos, "the Future of Environmental Rights in the European Union", pp.529-599.

۴۰- حقوق محیط زیست ۲، ترجمه محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۱، ص ۳۲۰.

۴۱- حقوق محیط زیست ۲، منبع پیشین، صفحه ۳۲۱.

۴۲- اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۴۳- اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴۴- اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴۵- اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴۶- رجوع کنید به کتاب حقوق محیط زیست، منبع پیشین، صفحات ۱۰۳ به بعد.

۴۷- رجوع کنید به کتاب حقوق محیط زیست، منبع پیشین، صفحه ۷۷.